

# درد به خلق قهرمان ویت نام!

# مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

یک سال دیگر بر جنگ ظالمانه و تجاوزکارانه آمریکا در ویتنام گذشت. در این سال افکار عمومی جهان به مقیاس بیسابقه ای تجاوز وحشیانه آمریکا را در ویتنام محکوم کرد. به جرئت میتوان گفت که هیچگاه چنین

سبلی از نفرت و چنین خشم مقدسی از طرف جامعه مترقی بشری متوجه حکومت متجاوز آمریکا نبوده است. نگرانی مردم جهان از توسعه و ادامه جنگ در ویت نام، علاقه آنها بصلح و آرامش، ستایش آنان از قهرمانی، سرسختی و دلاوری مردم ویت نام در برابر بزرگترین نیروی نظامی و اقتصادی دنیای سرمایه داری و حقانیت آنها در دفاع مشروع از آزادی و استقلال خود، میلیونها نفر را بدفاع از مردم ویت نام برانگیخت. صدها تظاهر و میلیونها نامه اعتراض آمیز علیه سیاست جانسون در تمام پهنه گیتی نمودار آن پشتیبانی معنوی است که از خلق دلیر ویت نام بعمل میآید. در آمریکا ناخشنودی مردم از سیاست ماجراجویانه و ضد انسانی جانسون دامنه دارتر شد. هنرمندان، دانشمندان و روحانیون از دولت خواستند که تجاوز خود در ویت نام پایان دهد. تظاهرات توده ای وسیعی در شهرهای بزرگ آمریکا علیه سیاست دولت بعمل آمد. در آستانه سال نو تظاهر کنندگان کاریکا تور جانسون را در نیویورک آتش زدند. باشگاه گالوپ آمریکائی که روزگاری اکثریت مردم را طرفدار سیاست دولت در

ویتنام میدانست ناچار شد اقرار کند که بر اساس تحقیقات تازه ۸۰ درصد از مردم آمریکا مخالف این سیاستند. توسعه تدریجی جنگ ویت نام از طرف پنتاگون، پیاده کردن مداوم نیروهای ارتشی آمریکا در ویتنام، بمباران وسیع ویتنام شمالی و از جمله بمباران هوانوی پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام، بمباران بیمارستانها، مدارس و مردم غیر نظامی، پخش مواد سمی در کشتزارها بمنظور ایجاد قحطی، پرتاب بمبهای سوزان نابالم و بمبهای گاز دار و سمی کمترین خللی در روحیه شکست ناپذیر خلق فداکار و قهرمان ویتنام وارد ننمود بلکه آنها را در دفاع از آب و خاک و آزادی خویش پایدار تر کرد. از لحاظ نظامی تلفات آمریکاییان اوج گرفت و کوچکترین موفقیتی با استراتژی «جنگ مخصوص» بدست نیاوردند. پارتیزان ها و قوای منظم ارتش آزادیبخش مواضع خود را علیرغم حملات وسیع زمینی و هوائی و دریائی ارتش آمریکا و ارتش مزدور کائوکی حفظ کردند. بقیه در صفحه ۸

## برای پیروزی بر انحصارگران نفتی باید با قاطعیت مبارزه کرد

نخستین گام را رژیم با گرفتن وام خارجی و کمک برداشتن ولی این سیاست در سالیان اخیر با مشکلات متعددی روبرو شده است. اولاً کارگرفتن قرضه بجای کسب که اکنون ایران بیش از آنچه که تسط وام دریافت میکند تسط وام میپردازد. ثانیاً کمک دهندگان، آمریکائی دیگر مانند سبق پول نمیدهند و اگر هم حاضر باشند بصورت وام با بهره سنگین است نه کمک بلاعوض، ثالثاً برای دادن وام هم وام دهندگان خارجی پشتوانه مطمئن میخواهند که برای آنها این پشتوانه فقط در آمد نفت است و آنها برای وامهای گذشته از پیش ضمانت شده و لذا منبع تازه ای وجود ندارد.

مشاء موافقتنامه جدید بین شرکت های نفت ایران و سرسروم بین المللی نفت بار دیگر جنجال تبلیغاتی در باره پیروزی بزرگ شاهنشاه آریامهر، آغاز شده است. بررسی زیر کوششی است برای ارزیابی موافقتنامه جدید تا در نتیجه ماهیت این باسصلاح پیروزی نیز روشن گردد.

اختلاف بر سر چه بود و چگونه بوجود آمد؟

تاریخ واقعی بروز اختلاف بین ایران و کنسرسیوم به سال ۱۳۳۷ برمیگردد. مشاء اصلی بروز اختلاف ناشی از مجموعه سیاست رژیم در زمینه های گوناگون پیوسته در امور اقتصادی است.

منابع درآمد رژیم عبارت است از: مالیات مستقیم و غیر مستقیم درآمد نفت، صادرات بازرگانی و وام خارجی و کمک آمریکا. مصارف دولت عبارتست از: بودجه دستگاه دولتی و بودجه عمرانی سازمان برنامه. ولی آن منابع کفاف این مصارف را نمیدهد. زیرا اولاً درآمدها بدستی مورد استفاده قرار نمیگیرد؛ بخش مهمی از آرز برای واردات کالاهای غیر ضروری پرداخته میشود. بخش مهمی صرف مخارج نظامی و دستگاه اداری میگردد. آن قسمتی هم که صرف امور تهرانی میشود در صنایع کلیدی که باید پایه های اقتصاد سالم را بنی ریزی کند، بکار نمیآید. ثانیاً سیاستی در پیش گرفته شده که درآمدها را باز هم بهتر میدهد. سیاست در های باز همچنان ادامه دارد. مخارج نظامی و دستگاه اداری افزایش مییابد. هنوز هم نقشه جامعی برای صنعتی کردن کشور بوجود نیامده است. بهمه اینها زدبیا و حیث و میل های هم که انجام میگردد و بنا به اعتراف خودشان کم هم نیست باید افزود. نتیجه اینکه دولت دچار کسر بودجه مزمن است. فاصله درآمد ها و مصارف زیاد تر میشود. در یک کلمه رژیم پول میخواهد تا بتواند این فاصله را پر کند. تدابیر رژیم برای نیل به این هدف برقرار زیر برده است.

سپس بنا به توصیه آمریکاییان بسراغ مالیات رفتند. ولی از افزایش مالیات مستقیم بلافاصله صرف نظر کردند چون صدای اعتراض طبقات حاکمه پشتیبانی رژیم بلند شد. بنابراین مانند همیشه بار را بدوش زحمتکش گذاشتند و چند بار بر مالیات غیر مستقیم افزودند. ولی اینکار در همانحال که نارضایتی مردم را تشدید میکند و مخولونک است نمیتواند جای خالی را پر کند. چون درآمد متوسط سرانه سالیانه (که تازه بنا بادهای سخنگویان دولت بالغ بر ۱۸۰ دلار است) در ردیف کمترین درآمد ها در جهان است و جای زیادی برای تعمیم بیشتر باقی نمیگذارد. صادرات بازرگانی ایران نیز بعادت سیاست در های باز و رقابت در بازار های خارجی و وضع بد محصولات کشاورزی ایران (که اقلام عمده صادرات است) در وضع استفناکی است و بهیچوجه نمیتوان برای درآوردن پول به آن امیدوی بست. نتیجه اینکه رژیم بطور عمده فقط درآمد نفت را وسیله بر کردن فاصله قرار داده است. رژیم که جزأت مقابله با کنسرسیوم را برای کم کردن غارت وی نداشت نخست بالا برهن در آمد نفت ایران را با به حراج گذاشتن سایر منابع نفتی ایران آغاز کرد. نتیجه اینکه هم اکنون در خارج از منطقه ضمانت بقیه در صفحه ۲

## پاسخ رفیق بر ژرف

پاسخ زیرین را ارسال داشت:

به کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیز!

از شادباش گرم و آرزوهای نیک آن رفقا بمناسبت شصت سالگی خود صمیمانه سپاسگزارم. رفقا برای شما کامیابی بیشتر را در مبارزه برای امر مشترکمان آرزو میکنم. با سلام کمونیستی - ل. برژرف

روزنامه پراودا ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متن تلگرافی را که کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتین سال تولد لئونید برژف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشته بود در شماره ۲۲ دسامبر سال ۱۹۶۶ روزنامه درج کرد. رفیق برژرف در پاسخ تبریک کمیته مرکزی ما بمناسبت شصتین سال تولد وی،

## اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

یوگوسلاوی و شیوه های ساختمان سوسیالیسم در آن جمهوری بکشور مزبور مسافرت نمود. در مدت یک هفته توقف خود در جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی، هشت نمایندگان حزب ما امکان یافت که از برخی اجتماعهای جمهوری سوسیالیستی فدراتیو

بنا بدعوت جامعه کمونیست های یوگوسلاوی از تاریخ ۴ تا ۲۱ آذر ۱۳۴۵ (۵ - ۱۲ دسامبر ۱۹۶۶) هشتی بنیابندگی از طرف بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمنظور مطالعه در امور اقتصادی و اجتماعی جمهوری سوسیالیستی فدراتیو

## پیام حزب کمونیست سوریه باحزاب کمونیست برادر و به نیروهای

### ترقی و صلح در تمام کشورها

و کمونیستهای این کشور امری است عیان و بدیهی. ما هم حقانیت و عدالت مبارزه مردم سوریه و هم نگرانی آنها را عیقا درک میکنیم و بنوبه خود آنچه را که در امکان داریم برای افشای توطئه گران، برای حمایت از مردم سوریه، دولت متلی سوریه و حزب کمونیست سوریه انجام میدهم. و از همه مردم ایران و از همه هموطنان آزادخواه خارج از ایران خواستاریم که حوادث سوریه را

کودتای امپریالیستهای آمریکا علیه حکومت ملی آرنس در گواتمالا و گولار در برزیل نیز از همین قماش بود ولی روشن است که اکنون شرایط برای امپریالیستها و مرتجعین خاور میانه برآنت نامساعد تر است. احساس هبستگی و همدردی ما نسبت به مردم استقلال طلب و آزادی دوست سوریه

خصوصاً علیه جمهوری سوریه در خاور میانه مایلند نو کسران مرتجع خود را در داخل کشور به توطئه و کودتا تشجیح کنند و مانع قوام و اختواری نظام ملی و دموکراتیک در خاک سوریه شوند. برای ما ایرانیان این تفراتک، تکرار داستان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق است.

نامه زیرین را کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه برای ما فرستاده است. خود نامه که تشریح بلغی است از وضع کنونی نیاز بهیچگونه توضیح اضافی ندارد. در یک کلمه امپریالیستهای آمریکا و انگلیس، بهمه اسرائیل و مرتجعین جهان غریب میخواهند جمهوری ملی و ضد امپریالیست سوریه را که «جسارت ورزید» و خواستار استقلال سیاسی و اقتصادی شده است مختنق سازند. امپریالیستهای آمریکا و انگلیس با ایجاد محیط خاد

بقیه از صفحه ۱

# برای پیروزی بر انحصارگران نفتی باید با قاطعیت مبارزه کرد

## موافقتنامه جدید

پس از رفت و آمد بسیار موافقتنامه جدیدی امضا شد. موافقتنامه جدید پیش بینی میکند که اضافه تولید نفت ایران در سالهای ۶۷ و ۶۸ - ۱۲۵ در صد خواهد بود. در همانحال کنسرسیوم طی ۵ سال آینده ۲۰ میلیون تن نفت بیشتر تولید میکند و به ایران میفرشد تا ایران بتواند خود انفرادی در بازارهای خارجی بفروشد برساند. بیست در صد از اراضی تحت اختیار کنسرسیوم نیز به بنایه انتخاب خود کنسرسیوم به ایران پس داده میشود تا ایران بتواند در این منطقه به اکتشاف و بهره برداری بپردازد.

## باز هم تسلیم طبعی

موافقتنامه جدید آشکارا نشان داد که شاه و رژیم حتی به آن هدفهای محدود و سازشکارانه ای که مطرح ساخته بودند نرسیدند. زیرا اولاً تقاضای اصلی مبنی بر افزایش تولید تا میزان ۱۷۵ در صد پذیرفته نشده است. ثانیاً فروش ۲۰ میلیون تن نفت به ابرار امتیازی نیست زیرا از یکطرف طبق قرارداد کنسرسیوم ایران حق دارد ۱۱ درصد از تولید نفت را دریافت کند و خود مستقل بفروشد. از طرف دیگر برای این ۲۰ میلیون پول میپردازد. بازگرداندن ۲۰ درصد از مناطق نفتی نیز به انتخاب ایران نیست و معلوم نیست کنسرسیوم چه زمینهایی را به ابرار باز پس میدهد. گذشته از این اکتشاف و استخراج و بهره برداری از این منطقه خود محتاج سرمایه گذاری سنگین و جدیدی است که ایران فاقد آنست و تازه بعرض که اینکار هم انجام گیرد نتیجه آن فوری بدست نمیآید. فریاد «پیروزی» زمامداران رژیم در واقع برای پوشاندن این ناکامی است.

## نقش کشورهای سوسیالیستی

تکته جالبی که در سالیان اخیر در مذاکرات نفت و بهره در مذاکرات اخیر چشم میخورد نقش کشورهای سوسیالیستی است. دولت ایران نخستین بار در «تهدیدات» خود نسبت به کنسرسیوم عامل کشورهای سوسیالیستی را بیاشاره کشید. بدین معنی که اعلام کرد در صورتیکه کنسرسیوم به خواستههای ایران پاسخ مثبت ندهد ایران مجبور است کارهای مورد نیاز خود را از کشورهای سوسیالیستی وارد کند و در این کشورها بازار برای فروش نفت خود بیابد. این «تهدید» چه زمامداران رژیم بخواهند و چه نخواهند چه عملی شود و چه عملی نشود بخود خودشانه آنستکه برای ایران کوچکترین مقاومت در برابر سوسیالیستها باید به کشورهای سوسیالیستی تکیه کرد. همینکه رژیم جزای ابراز وجود در برابر کنسرسیوم کرده است همینکه مجبور شده است برای پیش بردن تقاضاهای خود عملی هم به بیس روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و فروش نفت و گاز بپردازد. همینکه ایران با کمک اتحاد شوروی است که اولین پایه صنایع سنگین را بساختن کارخانه ذوب آهن بوجود میآورد مؤید نقش مثبت و ضرور کشورهای سوسیالیستی برای هرگونه مقابله با امپریالیسم است. از آنجا که کشورهای سوسیالیستی همیشه آماده انجام چنین کمکی هستند. انتقاد به رژیم این نیست که چرا از این عامل استفاده نمیکند. انتقاد اینستکه رژیم چرا به اندازه کافی از این عامل استفاده نمیکند. چرا این عامل را بیشتر وسیله شانزاد قرار میدهد. چرا تقاضاهای وی از غارتگران منابع ملی ما صورت چانه زدن و گله دوستانه دارد. چرا سرانجام علیرغم «تهدید» ها تسلیم میشود. علت واقعی ناکامی رژیم در این قبیل مذاکرات در همین جا است. در همین جا هم هست که ماهیت ضد ملی و وابسته رژیم آشکار میشود.

## سیاست ملی در نفت چیست؟

از بین بردن سلطه انحصارهای نفتی بر منابع نفت ایران و استفاده از این منابع برای تکامل اقتصادی

کشور و بهبود زندگی مردم ماهیت یک سیاست ملی را در نفت تشکیل میدهد. ولی برای اتخاذ چنین سیاستی استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک لازم است. بنابر این اتخاذ چنین سیاستی را از رژیم کنونی که ضد ملی و ضد دمکراتیک است نمیتوان انتظار داشت. بهمین جهت است که احیاء قانون ملی کردن صنایع نفت بصورت شعار استراتژیک باقی میماند. ولی ما بر این عقیده ایم که نمیتوان دست روی دست گذاشت. باید در وضع کنونی شمارهای تاکتیکی داشت. مردم را برای تحقق شعارهای تاکتیکی که خود هموار کردن و تدارک مبارزه در راه شعار استراتژیک است - تجهیز کرد. بویژه آنکه موقع بین المللی و وضع داخلی ایران از یکطرف امکان چنین مبارزهای را فراهم میآورد و از طرف دیگر رژیم در این وضع بدترین راه حل ها را برای رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران در برابر امپریالیستها انتخاب نمیکند. مثلاً تقاضای افزایش تولید نفت برای افزایش درآمد نفت بدترین راه حلی است که میتوان انتخاب کرد. زیرا هر گونه افزایش تولید نفت در شرایط اجراء یک سیاست اقتصادی ضد ملی وابستگی ایران را به درآمد نفتی که تحت تسلط امپریالیست هاست زیادتر میکند و عواقب «شوم این» وابستگی روشن است. در حالی که در همین وضع کنونی میتوان انحصارگران نفتی را بقبح نشینی های جدی واداشت. البته برای رسیدن باین هدف باید بر ضد انحصارگران با قاطعیت مبارزه کرد و از تمام نیروهایی که میتوانند در این مبارزه یار و تکیه گاه باشند و قبل از همه مردم و اردوگاه سوسیالیستی تا آخرین حد امکان استفاده کرد. ولی رژیم بنا بر ماهیت خود ناتوانی خویش را حتی در حل مشکلات حاد خود عملاً نشان داده است مگر زمانی که بدان مجبور گردد. در اینجاست که وظیفه میهن پرستان و همه مبارزان ضد رژیم برای مبارزه در راه شعارهای تاکتیکی باز هم اهمیت بیشتری کسب میکند. مبارزه در فشار آنها بمعنی از انحصار در اختلافات درونی: هیت حاکمه بطور عینی مؤثر است و میتواند در حدود معینی ثمر بخش شود. ما این شعارهای تاکتیکی را در مقاله ای تحت عنوان «ما و سیاست نفتی رژیم کودتا» (مردم شماره یک - فروردین ماه ۱۳۴۴) تشریح کرده ایم که در اینجا با تکمیل برخی نکات بسار دیگرگان را برای یاد آوری تکرار میکنیم:

## شعارهای تاکتیکی

- ۱) ائتلاف پیگیرانه و همه جانبه شعارتنگری امپریالیستی از نفت ایران و سیاست نفتی ضد ملی رژیم کودتا که بویژه با استفاده از سریت و بفرنجی مسائل نفتی میکوشد خیانتها و سازشهای خود را خدمت چاره دهد و افکار عمومی را بفریبد. بهمین جهت عمل افشائی نسبت با امپریالیسم و رژیم کودتا هر دو دارای اهمیت و تأثیر بزرگی است.
- ۲) مبارزه در راه برقراری نفارت کامل شرکت ملی نفت ایران بر تولید، فروش و تعیین بهای نفت.
- ۳) مبارزه برای دریافت هرچه بیشتر درآمد نفت در درجه اول از راه تعیین بهترین شرایط موجود در قرارداد های نفتی بر همه قرارداد ها. مثلاً وقتی رژیم ادعا میکند که قرارداد نفتی با فرانسه بر اساس ۸۰-۲۵ درصد منقذ شده است، این نسبت باید در سایر قراردادهای نفتی نیز بوجود آید. سپس در یافت بهره مالکانه از کنسرسیوم تا ۲۵ در صد.
- ۴) مبارزه برای آنکه شرکت ملی نفت ایران بتواند سهم خود را از محصولات نفتی مستقلاً در بازار جهانی بفروش برساند. بسخن دیگر کوشش برای ایجاد رابطه مستقیم بین ایران و مصرف کننده بصورت واسطه انحصارات نفتی و بهمین منظور ایجاد نالوکان تجارتي نفتی.
- ۵) مبارزه برای جلوگیری از دخالت شرکت های نفتی در امور داخلی ایران اعم از سیاسی و اقتصادی.
- ۶) مبارزه برای دفاع از حقوق کارگران صنایع نفت. بویژه در مسئله افزایش مزد آزادی سندیکائی، برای اجتماعی، بسکن و جلوگیری از اخراج.
- ۷) مبارزه برای جانشین کردن هرچه بیشتر کارشناسان ایرانی بجای کارشناسان خارجی در صنایع نفت.
- ۸) مبارزه برای جلوگیری از تقلیل تصفیه نفت در ایران. استفاده از ظرفیت کامل پالایشگاه آبادان و توسعه آن.

بقیه از صفحه ۱

## اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی

مؤسسات اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و کشاورزی کشور مزبور دیدن کتبه و نیز با مقامات رهبری حزب و اتحادیه های کارگری و مسئولین مؤسسات مورد مطالعه درباره شیوه های ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی و همچنین در مورد یکرشته مسائل سیاسی و اجتماعی مورد علاقه طرفین بحث و مذاکره نماید.

پیشک برخوردارها، مطالعات و مباحثات مزبور که همه در محیطی دوستانه و برادرانه انجام یافت برای درک واقعیت یوگوسلاوی و آشنائی با شیوه های ساختمان سوسیالیسم در آن کشور و همچنین برای رفع بارهای سوء تفاهات ناشی از قطع رابطه ۱۸ ساله بین دو حزب بسیار سودمند بوده است. مذاکرات توافق نظر طرفین را در مورد بسیاری از مسائل مربوط به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و نیز در باره ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی آشکار ساخت.

نخستین نتیجه مهمی که هم اکنون از این برخوردها حاصل گردیده استقرار مجدد مناسبات میان حزب توده ایران و جامعه کمونیستهای یوگوسلاوی است. استقرار این مناسبات صرف نظر از پاره ای ارزشهای متفاوت در مورد برخی از مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امریست مثبت که نه تنها در جهت تحکیم وحدت جنبش کمونیستی و کارگری سیر میکند بلکه موجب تقویت بین المللی مبارزه حزب ما و جنبش آزادیبخش مردم ایران در راه تأمین استقلال ودمو کراسی نیز هست.

## خوانندگان عزیز توجه فرمائید!

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زبانی از شوندهگان گرامی رادیو بیات ایران در ساعات پخش رادیو بشرح زیر تغییر داده شده است:

رادیو بیات ایران همه روزه در ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۱ متر برنامه پخش میکند. در ساعت ۶ بعد از ظهر پس از اعلام برنامه بزبان فارسی گفتارزبان کسری آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میدهد. از ۳ و ۳۰ دقیقه ۷ برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ تا ۷ و ۵۰ دقیقه برنامه فارسی پخش میگردد. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه میدهد. از خوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات و امواج رادیو بیات ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

۹) مبارزه برای آنکه درآمد نفت فقط بمصرف امور عمرانی برسد و بویژه برای ایجاد صنایع سنگین و صنایع شیمیائی نفت بکار رود.

۱۰) مبارزه برای آنکه ایران نه فقط در اوپک باقی بماند بلکه در این سازمان از سیاست ارتجاعی و سازشکارانه خود دست بردارد و با سایر دولتهای مستقل و ملی عضو اوپک همکاری کند تا این سازمان بسلاح واقعی مبارزه بر ضد اجحاف و تسلط انحصارات نفتی و دفاع از منافع ایران و تمام دول عضو اوپک مبدل شود.

بدینسان ما بدون اینکه لحظه ای از مبارزه در راه تحقق شعار استراتژیک در مسئله نفت غافل باشیم وظیفه خود میدانیم که در هیچ لحظه ای از مبارزه برای احقاق حقوق ایران در نفت و ائتلاف سیاست ضد ملی و سازشکارانه رژیم و تجهیز کردن مردم برای وادار کردن انحصارگران نفتی بقبح نشینی نیز فارغ نباشیم. ما از همه نیرو های ملی نیز برای مبارزه متحد در این راه دعوت میکنیم. م. انوشه

# سازمانهای موجود زنان و وظایف ما در قبال آنان

شهریور ماه سال جاری و روزنامه های تهران خبر انحلال شورای عالی زنان و تشکیل سازمان جدیدی بنام «سازمان زنان ایران» را اعلام داشتند. بررسی مختصر این هر دو سازمان که اولی معرف فعالیت جمعیت‌های زنان در چند سال اخیر و دومی مدعی رهبری جنبش زنان در حال و آینده است، می‌تواند بر انبوه وظایفی که در شرایط خاص کنونی در برابر نهضت زنان قرار دارد پرتو افکن باشد.

**حمله ارتجاع در مرداد**  
**شورای عالی زنان**  
 چگونه بوجود آمد  
 علنی را از سازمان های تشکیلاتی دورگراتیبات زنان که زندگی خود را از سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود و پس از واقعه بهمن ۱۳۲۷ مجبور به فعالیت مخفی شد توانسته بود با استفاده از اوج نهضت در سال ۱۳۲۹ پیوند خود را هر چند با رشته های نامرئی ولی در مقیاس وسیع تری با تشرهائی مختلف زنان در تهران و شهرستانها گسترش دهد. سازمان زنان ایران که بزرگترین سازمان علنی زنان در دوران قبل از کودتا بشمار میرفت با فعالیت پر دامنه سازمانی و تبلیغاتی خویش باز هم تشره های تازه تری از زنان را در صفوف خود متشکل نموده بود. این هر دو سازمان زیر رهبری حزب توده ایران، یکی با فعالیت مخفی و دیگری با مبارزه علنی موفق شده بودند در روزگاری که بیداری زنان و تجهیز و تشکل آنان این نمایند. گروههای دیگری از زنان وابسته به نیرو های مترقی هر چند با نفواری معدود و فعالیت کم دامه، ولی کم و بیش گامهایی برای استقامتی حقوق زنان بر میداشتند. کودتای ۲۸ مرداد امکانات گذشته مبارزه را از این سازمانها سلب نمود و فقط گروههای کوچککی که با صرفاً فعالیت محدود فرهنگی داشتند مانند «کانون بانوان» و «انجمن فارغ التحصیلان مدرسه امریکائی» و یا با محور خیریه میبرداشتند چون «انجمن معاونت زنان شهر تهران» و «جمعیت کل خیریه زنان ارامنه» توانستند به فعالیت علنی خود ادامه دهند. برخی دیگر از گروهها نیز هر چند بر طبق برنامه شان برای مبارزه در راه احراز حقوق سیاسی و اجتماعی زن تشکیلی شده بودند ولی حتی در دوران قبل از کودتا نیز فعالیتشان از چارچوب نست و برخاست هفتگی و ماهانه معدودی زنان روشنفکر تجاوز نمیکرد و بهدین جهت در دوران پس از کودتا نیز مزاحم تشخیص داده نشدند. منتهی جلسات هفتگی و ماهانه شان بیش از پیش از جهت حقوق سیاسی و اجتماعی رنگ باخت. تا چند سال پس از کودتای ۲۸ مرداد فعالیت سازمانها و انجمنهای علنی زنان برخی داوطلبانه و بعضی ناگزیر بر محیط خیریه و فرهنگی میگردید و رژیم شاه همچنان امکان مبارزه علنی را از کلیه سازمانهای سیاسی، جمعیتها و مطبوعات ملی سلب کرده بود به زنان نیز کمترین امکان برای تشکل و مبارزه نمیداد. ادامه این خفقان یکسال، دو سال، پنجسال امکان پذیر بود ولی برای همیشه امکان نداشت. مبارزه زنان در سایر کشور های جهان هر روز آهسته آهسته از بیار میاورد و بر تعداد کشورهاییکه مجبور به شناختن حقوق برابر زنان میشدند افزوده میشد. دیگر شماره کشور هائی که هنوز زنان آن حق رأی نداشتند انگشت شمار بود. این عامل خارجی همراه با هشیاری زنان و سنت مبارزه گذشته از یکطرف و محرومیت از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر مانع از آن بود که زنان به سکوت و تسلیم تن در دهند. بتدریج، پیچ پیچ ها به نغمه های نارنجانی تبدیل میشد و گروههای تازه ای از زنان به دور هم گرد میآمدند. دربار شاه که سالوسانه داعیه تجدید طلبی داشت نه میتوانست در برابر این نغمه های عدم رضایت کاملا با اعتناء بماند و نه میدان دادن به این نارنجانی ها یا ماهیت استبدادی اش جور در میآید. از اینجهت برانجام راه حل دلخواه خود را یافت. مطبوعات باخفت خبر تشکیل شورای عالی زنان را به ریاست اشرف پهلوی اعلام داشتند. شورای عالی زنان از کلیه گروهها، انجمنها و سازمانهای متعلق بزنان تشکیل میشد که ظاهراً داوطلبانه اما فی الواقع باجبار در شورای عالی زنان عضویت یافته بودند. بزودی با تشکیل گروههای جدیدی از زنان، تعداد سازمانهای عضو از ۳۰ متجاوز شد. با تشکیل شورای عالی زنان، دربار با یک تیز چند نشان میزد: هم برای نهضت زنان، سرانجام قالب باصلاح مناسب آنرا یافته بود، هم سر نخ نهضت

در دست دربار قرار داشت تا آنرا در مسیر آرام اجرای «نیوای شاهانه» سوق دهد و هم اشرف پهلوی یات شبه راه چند ساله پیموده و به رهبر، نهضت زنان تبدیل شد. اکنون شورای عالی زنان میبایست طبق دایمه خود جنبش زنان را به پیش برد، اما چندین سال عمر شورای عالی به نست و برخاست بیخاسل، وعده های تو خالی و شرکت رهبر زنان، در مجمع بین المللی گذشته بی آنکه بالاخره معلوم شود هدف از تشکیل شورای عالی زنان، برنامه کار آن و اشکال مبارزه سازمانی و تبلیغاتی آن برای تحقق برنامه احتمالی چه بوده است. در واقع شورای عالی زنان هدف و برنامه ای جز انحراف مبارزه زنان از سیر، مطلق آن نداشت اما خوشبختانه در این هدف موزبانه خویش هم توفیق نیافت.

بتدریج که شورای عالی زنان عدم فعالیت خویش را در استقامتی حقوق زنان نشان میداد، زمزمه های کله و شکایت در داخل سازمانهای عضو و نیز زنان منفرد شنیده میشد. اینها اوستار مبارزه برای تأمین حقوق زنان بودند. این عدم رضایت هرگاه در برابر خود شرایط مناسب دید شکل اعتراض عمومی بخود گرفت. مثلاً هنگامیکه دولت عام در اواخر سال ۱۳۴۱ تصویبنامه مربوط به شرکت زنان را در انجمنهای ایالتی و ولایتی لغو نمود باین بهانه که: «عدم منع زنان از شرکت در این انجمنها مورد اعتراض قرار گرفته است» اجتماع روز ۱۷ دی ۱۳۴۱ که از جمله اجتماع سنتی زنان وابسته بدربار بود تبدیل بظاهراتی از طرف گروه کبیری از زنان شد که اعلام نمودند نه تنها تصویبنامه مربوط به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی باید اجرا شود، بلکه دولت موظف است حق زنان را در انتخابات مجلسین تأمین نماید. چند هفته بعد، یعنی سوم بهمن ۱۳۴۱ زنان کارمند در شهر تهران انتصاب یکروزه کردند و بدینوسیله اعتراض خود را نسبت به عدم توجه دولت به مطالبات زنان نشان دادند. عوامل بسیار داخلی و خارجی، چنانکه دیدیم رژیم شاه را در زمینه هائی و از جمله در مورد زنان وادار به عقب نشینی نمود. اما شورای عالی زنان خود را مدعی رهبری نهضت زنان میدانست عملاً ترمز نهضت و مانع از آن بود که نیروی زنان فعالانه وارد میدان شده و رژیم را به عقب نشینی بیشتر در باره مطالبات زنان وا دارد. شورای عالی زنان با استفاده از عوامل خود در سازمان های مختلف زنان و در سایر تشکیلات مملکتی تنها این هدف را تعقیب مینمود که مبارزات سیاسی و اقتصادی چند ده ساله زنان را لو کش نماید و شرکت زنان را در انتخابات مجزئه کرامات شاه و زنان را مسجور این کرامات معرفی کند. در همان هنگام روزنامه «مردم» ضمن تأکید این مسئله که شرکت زنان در انتخابات «علییت» شاه نیست، بلکه محصول فرعی مبارزه خود زنان است، سازمانهای زنان را از اینکه تحت سلطه دربار قرار گیرند بر حذر داشت و نوشت که خوشبختانه در داخل و خارج این سازمانها تعداد زنان واقع بینی که از وضع کنونی زنان در ایران درک صحیح داشته باشند، لزوم مبارزه جدی و متشکل را حس کنند و بواقع کار آشنا باشند کم نیستند. در درجه اول وظیفه این زنان است که با کار مداوم خویش، سازمانهای زنان را از سیطره در بار خارج نموده و در جهت صحیح مبارزه سوق دهند. پوشیده نبود که رهبری اشرف پهلوی و عوامل وی در داخل این سازمانها از یکطرف و وجود رژیم اختناق از طرف دیگر کار مبارزه را حتی برای آن سازمانهای که سیمای روشن تری داشتند مشکل میکرد. شرکت زنان در انتخابات و فرستادن چند وکیل و سناتور اکثرآ وابسته بدربار، بمجلس شورا و سنا برای پاره ای از سازمانهای زنان نقطه اختتام مبارزه تلقی شد و این امر، ناخبرستندی را در داخل سازمانها بیشتر دامن زد. بی پرده گفته میشد که هدف از مبارزه زنان، تنها فرستادن چند زن به مجلس است، بلکه هدف لغو قوانین ارتجاعی و وضع قوانین برقی بمظهور

تا این حقوق زنان بود. زنان آگاه این سازمانها درک میکردند که عضویت در شورای عالی نه تنها گرهی از کار نگشود بلکه بر گره ها افزود. بتدریج شکایات و اعتراضات زنان از داخل سازمانها به صفحات روزنامه ها کشیده شد. اینها خواهان اقدام جدی برای استقامتی حقوق زنان بودند. این سر و سدهای عدم رضایت از یکطرف و وجود رهبران رنگارنگ در رأس سازمانهای زنان که با وجود تسلیم کامل در برابر دربار، رهبری بلا منازع اشرف پهلوی را اسماً تقاض میکرد از منرف دیگر، موجب گردید تا دربار در صدد ایجاد سازمان جدیدی از زنان برآید. فایده این کار آن بود که متولیهای قدیم سازمانهای زنان خود بخود در حاشیه قرار میگرفتند و اشرف بعنوان رهبر بلا منازع این سازمان عمل میکرد. ضمناً با انحلال شورای عالی، بیکاری و بی اثری آن حسابگروانه تأیید و آبی بر آتش ناراضی ها ریخته میشد. چنانکه بلا فاصله پس از انحلال شورای عالی مطبوعات وابسته بدربار تأیید کردند که شورای عالی زنان، در دوران حیات خود منتهای خدمتی برای زنان نبوده است. از جمله جمله «زن روز» باین مناسبت نوشت: «شورای عالی زنان پس از هشت سال موجودیت کم اثر و کم تحرک خود بعلت نقص های بسیار و انتقادات شدید روشنفکران و جناح لیبرال جامعه زن در آسانه انحلال قرار گرفت. جانشین شورای ناموفق مزبور سازمان زنان ایران است. اما با آنکه عدم کفایت شورای عالی زنان منکری نداشت، علل آن در پرده ماند، زیرا در حقیقت سوازی دربار و شخص اشرف پهلوی کسی در این میان مقصر نبود.

سازمان زنان ایران و اختلافات پنهان و آشکار

پهلوی ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی وجودیت سازمان زنان ایران را به رهبری خود اعلام نمود و ضمن تأیید آنکه «شورای عالی زنان قادر نبود نقش مورد نظر را در پیشبرد نهضت زنان ایفا نماید، این عدم فعالیت را به گردن «محدودیت های هدف و تشکیلات و عضویت، و نیز وجود عوامل ضد نهضت زن» که گذارد. وی و عده داد که «سازمان زنان ایران اقدامات اساسی و بسابقه ای در زمینه بالا برهن موقعیت و رفاه حال زنان کشور خواهد نمود، با آنکه در ابتدا انحلال سازمانها و ادغام آنها در سازمان جدید اعلام شده بود ولی چون با مخالفت برخی از رهبران این سازمانها مواجه شد و این مخالفتها حتی به جلسات مصاحبه های مطبوعاتی هم کشیده شد، مسئله انحلال سازمانها مسکوت ماند از همینجا وجود برخی اختلافات بین سازمانهای قبلی و سازمان جدید التماسی حسن زده شد نشانه های دیگری از اختلافات نیز کم کم خود را نشان دادند از جمله هنگامیکه زنان حزب ایران باین بعلت اختلافات درونی جناحهای مختلف هیئت حاکمه، خود مستقل از سازمان زنان سمیناری بمظهور بررسی وضع حقوقی زنان در تاریخ ۲۳ تا ۲۸ مهر ۱۳۴۵ در تهران تشکیل دادند، سازمان زنان ایران که تشکیل این سمینار مورد پسندش نبود ضمن یک آگهی کوتاه در روزنامه های عصر و با مسکوت گذاردن عملی مشاهده سازمانی این سمینار، اعلام نمود که: «سمینار زنان که در تهران تشکیل شده از حیاتی با سازمان زنان ایران ندارد، در حالیکه اگر منظور که از اساسنامه سازمان زنان برمیآید یکی از هدفهایش، هم آهنگ نمودن فعالیت های جمعیت های زنان است، لازم بود سمینار مزبور که صرف نظر از انگیزه های سیاسی و اجتماعی قدیمی در راه مطالعه و بررسی خواستها و مطالبات زنان بود لااقل با ارباب خرسندی از طرف گردانندگان سازمان زنان تلقی شود. باز هم نشانه دیگر اختلاف» خبر مندرج در جله بمشاد بوده که نوشت: «در اجتماع کاخ سنا (منظور جلسه سازمان زنان با شرکت اشرف پهلوی است) قیامه های زنان شرکت کننده در سمینار حزب ایرات نوبن چشم نمینورد، و آخرین نشانه حماه شدید عوامل دربار و مجلس و دولت بطرح ابتکاری

خانم دکتر منوچهریان در مورد حقوق خانواده بود که آشکارا نشان میداد، ضمن آنکه افراد و گروههایی از زنان مایل به فعالیت مستقل از دربار هستند، چگونه دربار در برابر این تلاشها، چهره عیوس نشان میدهد.

سازمان زنان ایران، با کدام برنامه کار و عمل؟

مجمع عمومی خود را در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۴۵ تشکیل داد و به انتخاب هیئت مدیره و تصویب یات قطعنامه پرداخت. در این مجمع به نقل قول از روزنامه های پایتخت ۵۰۰۰ زن از تهران و شهرستانها شرکت نموده بودند. اما قطعنامه ای که بتصویب این ۵۰۰۰ زن رسانده شد نشان داد که هدف دربار سرگرم کردن زنان با امور فرعی و انحراف آنان از هدف متعلق مبارزه است. نخستین ماده قطعنامه این مجمع در باره لزوم تشکیل کلاسهای برای بسواد کردن زنان و کودکان ایران است. هیچکس منکر لزوم بسوادی زنان نیست. ولی هرگز نباید مبارزه با قوانین ارتجاعی و ظالمانه کنونی را تحت الشناع با سوازی زنان قرار داد و این را بآن مرجع داشت. در دومین ماده قطعنامه توصیه میشود: «در کتب درسی مدارس مطالب لازمی درباره مفاهیم زن گنجانده شود تا طرز فکر صحیح در نسل آینده نسبت به شخصیت زنان بوجود آید و احسن براین تدبیر؛ آیا زنان در شرایط مناسب رهنه شخصیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری خویش بهتر میتوانند جای شایسته خود را در افعال و افکار تأمین کنند یا از طریق گنجاندن چند بند و اندرز در کتاب های درسی؟ ماده ۳ قطعنامه، تساوی حقوق مدنی زن مرد را تأکید آنکه باید «در چارچوب موازین شرعی و قانونی، اقدامات اساسی بعمل آید توصیه میکند و بلافاصله پیشنهادهایی میدهد که ابتدا ارتباطی با اقدامات اساسی و فرعی، تساوی حقوق زن و مرد ندارد. از جمله: «تشکیلات حقوقی سازمان زنان دفاع از حقوق زن را در محاکم دادگستری برعهده بگیرد، کوئی اگر تاکنون زن مظلوم و مقهور بوده نه بعلمت وجود قوانین ظالمانه بلکه بدین سبب بوده که تشکیلات حقوقی سازمان زنان بدفاع از حقوق زن ایرانی برخاسته است! همه کس میدانند تا زمانی که قانون مدنی بشکل کنونی وجود دارد هیچ سازمانی حتی بفرض حسن نیت کامل قادر به دفاع از حقوق واقعی زنان نیست. قطعنامه پیشنهاد میکند:

«مراکزى در میدانگاهها و خیابانهای اصلی و پر جمعیت شهر ها برای مشاوره و کمک حقوقی به زنان بوجود آید. شک نیست که اگر تمام میادین و خیابانهای اصلی و فرعی و حتی کوچه پس کوچه های کشور از اینگونه مراکز پر شود تا زمانیکه قانون زن را بی حق شناخته است هیچ مشاوره و کمکی نمیتواند در اصل محرومیت حقوقی زنان تیریری ایجاد کند. قطعنامه تشکیل «گروه مددکاران حقوقی» و نیز «پروژه گروه زیست حقوقدان» را وعده میدهد. لازم به تذکر نیست که همه این اقدامات فقط در شرایطی میتواند و الاً مفید باشد که نخست قوانین کنونی لغو و عدم تساوی حقوق زن و مرد منسوخ شود. «مددکاران حقوقی» و «مددکاران حقوقدان» میتوانند فقط در اجرای صحیح قوانین نظارت و زنان را یاری نمایند ولی قادر نیستند در ماهیت قوانین تیریری ایجاد کنند. مواد این قطعنامه به روشنی نشان میدهد که سازمان زنان ایران برنامه روشن و مشخصی برای تأمین حقوق برابر زن ندارد بلکه در حقیقت نوعی سازمان خیریه است که بقول خود میخواهد: «مأجا و پناهگاه زنان مظلوم در برابر شوهرائی که به خانواده خود ظلم میکنند، باشد. بدین ترتیب دربار میخواهد سلاهای دیگر نیز نهضت زنان را با تشکیل کلاسهای مبارزه با بسوادى و ایجاد مراکز مشاوره و کمک حقوقی سرگرم کند و از تجهیز و تشکل آنان در راه خواستهای مردم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شان جلوگیری نماید.

در شرایط کنونی که چه باید کرد؟ طبیعت مستبد رژیم امکان تجهیز و تشکل در صفوف يك سازمان اصیل انقلابی را از زنان سلب نموده است. وظیفه زنان مترقی چیست و فعالیت خود را باید چگونه

بقيه در صفحه ۶

جریان دوره اجلاسیه

دفاع از خلق دلاور ویتنام

شانزدهمین دوره اجلاسیه شورای عمومی سندیکائی جهانی از ۶ تا ۹ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۵ تا ۱۸ آذر ۱۳۴۵) در صوفیه برگزار شد و در آن فعالیت فدراسیون در دوران پس از کنگره ششم مورد بررسی قرار گرفت. مسئله توسعه و جدت عمل و همبستگی بین‌المللی به پیشینه‌یابی از زحماتشان و خالق ویتنام، بسود زحمتکشان سراسر جهان که برای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی و بسود زحمتکشان و خائفتائی که برای صاحب‌عایه ادیربالیسم، استعمار و استعمار نو مبارزه میکنند اساس مذاکرات و تصمیمات شورای عمومی را تشکیل میدهد. طبق قطعنامه‌های صادره، تحول وضع بین‌المللی ارزیابی و رهنمودهای کنگره ششم فدراسیون را کامل تأیید میکنند. ادامه و تشدید تجاوز امریالیسم آمریکا در ویتنام در تحول وضع بین‌المللی نقش مساف دارد. پیشنهادهای مطروحه از طرف دولت ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متفق، مسخره انتخاباتی سایگون و شورای جنگی مانیل که زیر پرده کماک اقتصادی، برگزار شد موصوعاً برستی استعمار توسعه تجاوز ایالات متحده آمریکا بوده است. از طرف دیگر جنبش توده‌ای در سراسر جهان به پیشینه‌یابی از پیکار قهرمانه خاق ویتنام گسترش می‌یابد. شورای عمومی فدراسیون با عطف توجه باین که مقاومت قهرمانانه خاق ویتنام، کماک مادی همه کشورهای سوسیالیستی و همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر و خائفتا عوام‌امل اساس پیروزی را تشکیل میدهد. از اتحادیه‌ها و زحمتکشان همه کشورهای میخواستند تا در امر پیشینه‌یابی از مردم ویتنام دامنه فعالیت خود را گسترش دهند و بر شدت مبارزه بی‌پیکر و مؤثر خود بیافزایند. در پیامی که از طرف شورای عمومی خطاب به اتحادیه‌ها و زحمتکشان جهان صادر شده است پس از تشریح جنبشها و حمایت تبهمکارانه تجاوز کاران آمریکائی چنین گفته میشود:

« مردان و زنان زحمتکش اتحادیه‌های جهان! عابریتم اعتراضات و اقدامات مجدانه شما ایالات متحده آمریکا به تشدید و توسعه تجاوز خونین خود علیه خاق ویتنام ادامه میدهد و در زیر پرده استعمار صلیح طلبی دروغین، میکوشد جنگ تجاوزکارانه خویش جنبه بین‌المللی بدهد و بدینسان صلح را در هند و چین، آسیای جنوب شرقی و در سراسر جهان بشدت تهدید میکند. همواره در نظر داشته باشید که نبرد خاق ویتنام علیه تجاوزکاران آمریکا تنها برای آزادی و استقلال میهن خود بوده، برای حفظ آزادی و استقلال همه خائفتا، بخاطر صلح و هموگرایی و ترقی در سراسر جهان نیز میباشد. بشکال گوناگون، مبارزه علیه تجاوز آمریکا را تشدید کنید! به پیشینه‌یابی مادی و معنوی خود از مبارزه زحمتکشان و خاق ویتنام بیفزایید! با نیروی باز هم بیشتر عملیات، چون آمیز تشدید جنگ تجاوزکارانه علیه ویتنام و تبهمکارانه‌های امریالیستهای آمریکا را افشا کنید! از ادعاهای دروغین، صلح طلبی، امریالیست‌های آمریکا و از کوشش آنها برای مداخله دادن سازمان ملل و متفق در مسئله ویتنام پرده برگزید! مصممانه مبارزه کنید تا از دولت آمریکا خواسته شود که:

- بیجنگ تجاوزکارانه در ویتنام جنوبی خاتمه دهد.
- به‌مبارانها و هرگونه عملیات جنگی دیگر علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام فوراً و بلاذیل و شرط پایان بخشد.
- ویتنام جنوبی را از کلیه قوای نظامی، تسلیحات و وسائل جنگی ایالات متحده آمریکا و امار آن تخلیه نماید.
- حق خلق ویتنام را برای تعیین سرنوشت خویش برسمیت بشناسد.
- جنبه آزادیبخش ویتنام جنوبی را بعنوان یگانه نماینده واقعی خلق ویتنام برسمیت بشناسد.
- قرارداد سال ۱۹۵۴ ژنو را در باره ویتنام و درباره اینکه خلق ویتنام حق دارد خود مسئله وحدت مسالمت آمیز میهنش را حل کند مجرم بدارد و دقیقاً بکار بندد.
- باسنادات مؤثر و مجدانه دست زبند و با فرستادن دارو، لباس، خواربار، پول و غیره بمناطق

# در شانزدهمین دوره اجلاسیه شورای عمومی سندیکائی جهانی

مبارز ویتنام کماک برسانید تا مردم دلاور ویتنام بتوانند قدرت پیکار خویش را افزون ساخته پیروزی نهائی را سریعتر بدست آورد.

کلیه اشکال مناسب مبارزه را بکار برید تا از تولید و حمل و نقل موادی که میتوانند در جنگ امریالیستهای آمریکا علیه ویتنام مورد استفاده قرار گیرد جلوگیری بعمل آید.

تحلیل وضع جهان و مسائل حاد روز

در قطعنامه عمومی شورا گفته میشود که اگر چه ویتنام کانون عمده و خامت وضع بین‌المللی را تشکیل میدهد معذلت امریالیستها در کشور های دیگر آسیا نیز به‌علیقت تجاوزکارانه دست می‌زنند. کره که مانند ویتنام کشور تقسیم شده است یکی از قربانیان این عملیات است. کره جنوبی به‌تدریج واکف ایالات متحده آمریکا مبدل گردیده است. دهها هزار سرباز آمریکائی در این سرزمین اردو زده‌اند، حکومت پوشالی کره جنوبی از یک ارتش ۶۰۰ هزار نفری نگهداری میکند که ۵۰ هزار نفر آن به ویتنام فرستاده شده‌اند. در نتیجه بیمان منقده میان ژاپون و کره جنوبی نفوذ نیروهای نظامی ژاپون در کره جنوبی شدت یافته است. فدراسیون سندیکائی جهانی و همه هواداران صلح جهان باید مواظب تحول این وضع و احیاء میلیتاریسم ژاپون باشند و برای متوجه ساختن زحمتکشان بخطری که از این جهت صلح جهانی را تهدید میکند اقدام نمایند.

در اندوژی محاکمه رهبران سابق جنبش مترقی ادامه دارد و هرج و مرج اقتصادی موجب تعطیل کارگاهها و بیکاری تعداد کثیری از کارگران میگردد. حوادث یکسال گذشته این نکته را معقن میسازد که پیگرد آزادبخوان و مردم مترقی از نقشه‌های جنایتکارانه دولت ایالات متحده آمریکا وسازمان جاسوسی آن، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، جدا نیست. امریالیستهای آمریکا میخواستند اندوژی را بسنجمه و پایگاه جنگی خود مبدل سازند. معذلت با وجود تهدیدات امریالیستها دولت کنونی جاکارتا نخواهد توانست تا باید جنبش نیروهای ترقیخواه و میهن‌پرست اندوژی را متوقف سازد.

در اروپا بین کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی خواه در زمینه دولتی و سیاسی خواه در زمینه سندیکائی، اقتصادی و فرهنگی موجبات تفاهم بیشتری فراهم شده است. در بحث مربوط به امنیت اروپا و بوزره در مسئله آلمان عنصر جدیدی پدید آمده است. مانع بسط تفاهم و پی ریزی امنیت اروپا ادامه سیاست تلافی جوینده و تقویت نئونازیسم در جمهوری فدرال آلمان است. خطر عمده برای صلح و امنیت اروپا کماکان از امریالیسم آلمان غربی ناشی میشود که با امریالیسم آمریکا ارتباط نزدیک دارد. بدین سبب در حال حاضر جلوگیری از دست یافتن جمهوری فدرال آلمان بسلاحهای اتمی و میانات مرزهای کنونی کشورهای اروپا از جمله مرزهای جمهوری دموکراتیک آلمان شرط مقدماتی و اساسی امنیت اروپا است.

باید کلیه موجبات اصطکاک و برخورد را برانداخت و در مقابل جنگ سرد سیاستی قرارداد که مبتنی برتأمین تفاهم و همکاری همه کشورهای این لاره باشد. سندیکها در این امر مسئولیت بزرگی برعهده دارند. گسترش مناسبات سندیکائی بین سازمانهای سندیکائی کشورهای سرمایه داری از طرف دیگر بحفظ صلح و تخفیف وخامت وضع بین‌المللی کماک فراوانی خواهد کرد و برای بهبود شرایط کار و زندگی همه زحمتکشان اروپا زمینه مساعدی فراهم خواهد ساخت.

در سالی که گذشت طبقه کارگر در مقابل حملات انحصارها سرسختانه ایستادگی کرد. مبارزات کارگری دامنه بیسابقه‌ای کسب نمود. موج مبارزه مطالباتی تقریباً همه کشورهای جهان را فرا گرفت! قشرهای وسیع زنان، جوانان، تکنیسین‌ها، مهندسين و کارمندان در این مبارزات شرکت جستند و باعمل

خود ادعاهای دروغین طراحان «جامعه بزرگ»، «جامعه شکل یافته»، «جامعه رفاه»، «جامعه همکاری کار و سرمایه» و اراجیف دیگری را که متناوباً در کشورهای سرمایه‌داری گل میکند نقش برآب کردند. چهره خشن و اقلیت نشان میدهد که تضاد بین کار و سرمایه نه تنها کوچکترین تفریق نیافته بلکه در نتیجه تمرکز و انغام روز افزون انحصارها و دخالت مستقیم دولتهای سرمایه داری در مناسبات کارگر و کار فرما شدت یافته است.

مبارزه کارگران در راه حقوق خود

در گزارش رفیق ژنسو دبیرکل جانشین فدراسیون سندیکائی جهانی گفته شده است که در ماههای اخیر مبارزه برای افزایش دستمزد، تقابل ساعات کار بدون کاهش دستمزد، مبارزه برای انعقاد آزادانه قرارداد های جمعی که متضمن کلیه شرایط کار و دستمزد باشد، مبارزه برای برانداختن هرگونه تبعیض سنی، ملی، نژادی و جنسی، مبارزه برای تضمین توسعه آزادیها و حقوق سندیکائی در مرکز توجه طبقه کارگر بوده است.

مطالبات توده‌های زحمتکش بمقاومت روزافزون کارفرمایان و دولتهای سرمایه داری برمیخورد. تمرکز سرمایه انحصاری، انغام انحصارها و توسعه طلبی نو استعماری شیوه‌های تحکم آمیز رهبری اقتصادی را بمقیاس بین‌المللی تأمیه داده است. قوانین موجود مزاحم انحصارها است و از آنجا که انحصارها حقوقی را که کارگران با مبارزه بدست آورده اند مورد حمله قرار میدهند قوانین جدیدی میخواستند که با مقاصد آنها و با تجدید سازمان ضددموکراتیک اقتصاد وزندگی اجتماعی تطبیق کند.

نقض حقوق سندیکائی در محل کار بمنظور جلوگیری از وحدت سندیکائی، اعمال فشار علیه فعالین و رهبران اتحادیه‌ها بمنظور تهدید کارگران وتضعیف سندیکاهای از جمله شیوه‌هایی است که انحصارها بکار می‌بینند. توده‌های کارگر با تجربه شخصی ارتباط موجود میان مبارزه برای منافع حیاتی فوری و مبارزه برای حفظ و توسعه حقوق و آزادیهای دموکراتیک و سندیکائی و برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را با وضوح و روشنی روز افزونی درک میکنند. این امر مهم امکان واقعی اتحاد توده‌های زحمتکش و اعتلاء خصلت مطالبات آنها را نشان میدهد.

تجارب جنبش کارگری در اسپانیا

در این باره تجربه طبقه کارگر اسپانیا در زمینه تحصیل حقوق سندیکائی و دموکراتیک و دموکراتیزه کردن کشورهای خاص دارد و برای تمام جنبش سندیکائی و دموکراتیک متضمن درس گرانظائی است. در اسپانیا چنانکه بتفصیل در گزارش رفیق ژنسو تحلیل شده است طی سالهای متمادی بویژه از سال ۱۹۶۲ باینطرف که سال اعتصابهای دامنه داری بود مبارزه زحمتکشان در دو زمینه انجام میگردد:

یکی در زمینه توسعه مبارزه مطالباتی، دیگری در زمینه متشکل کردن جنبش کارگری از طریق کمیسیون های کارگری. این دو جهت مبارزه با هم پیوند نزدیک دارد و مکمل یکدیگر است.

جنبش مطالباتی طی سالهای اخیر در اسپانیا وسعت یافت و وسعت جنبش از سوئی و خصلت تودهای آن از سوی دیگر رژیم فرانکو را از توسل به شدت عمل بازمیداشت. زحمتکشان حق اعتصاب را عملاً رژیم تحصیل کردند. در عین حال مبارزه خصلت عالیتر کسب نمود زیرا توده‌های زحمتکش علاوه بر مطالبات حنفی و اقتصادی خواستههای سیاسی از آن جمله حق اعتصاب، آزادیهای سندیکائی، برسمیت شناختن کمیسیونهای کارگری کارگاهها را نیز به پیش کشیدند. کمیسیونهای کارگری در دوران توسعه جنبش مطالباتی پدید آمد و در جنبش کارگری نقش رهبری را ایفا کرد. کمیسیونها در این مبارزات شرکت جستند و باعمل

برای اقدام مشخص بوجود می‌آیند و پس از انجم مأموریت منحل میشوند ولی بتدریج جنبه دائمی کسب کردند. اعضاء کمیسیونها طی اجتماعات دموکراتیک و وسیعی که در آنها کاهی هزاران کارگر شرکت داشتند مستقیماً از طرف کارگران کارگاه انتخاب میشدند. کمیسیونهای کارگاهی از گانه‌های بالاتری بنام کمیسیونهای ایالتی و حرقه‌ای بوجود آوردند و بدین ترتیب برای ایجاد سازمان سندیکائی واحد کشوری مقدمات مساعدی فراهم شد. کمیسیونهای کارگری برنامه‌های مطالباتی کارگران را تنظیم میکنند، همه اقدامات آنها علنی است و با کارفرمایان ومقامات دولتی راجع به قرارداد های جمعی بمذاکره می‌آیند. مبارزات صنفی کارگران را در محل کار رهبری میکنند. مسام است که فعالیت کمیسیونها با دشواریهایی مواجه است چه بسا اعتیاد کمیسیونها را از کار اخراج میکنند یا بزندان میکشند ولی چون این سازمانها نماینده نیروی واقعی کارگران هستند بدون آنکه از طرف مقامات دولتی رسمیت آنها تأیید شود موجودیت خود را بکارفرمایان و دولت تحمیل میکنند. کمیسیونهای کارگری از بدو پیدایش خود بمشابه مظهر وحدت منافع همه کارگران، بمشابه نیروی دموکراتیک و مستقل از احزاب سیاسی، دولت و کارفرمایان با میدان نهادند.

در آنها کارگرانی که عقاید سیاسی گوناگون دارند اعم از کمونیست، سوسیالیست، سندیکالیست، ناسیونالیست و حتی فالاژیست‌هایی که با رزاکانکو و اتحادیه‌های فاشیستی اختلافاتی دارند بویژه نیروهای جوان و کادراهای جدیدی که در مبارزه علیه رژیم فرانکو آیدیده شده‌اند شرکت دارند. همه اعضاء کمیسیون های کارگری بطور دموکراتیک از طرف کارگران صرفاً بر اساس موضعی که در قبال مسائل مربوط بمبارزات مطالباتی اتخاذ میکنند انتخاب میشوند. اخیراً کمیسیونهای کارگری اسپانیا موفق شدند شرط وسیع کارگران را در انتخابات سندیکائی سازمان داده وسایل انتخاب افراد مورد اعتماد کارگران را برای اشغال مقام رهبری سندیکاهای فراهم سازند. در جریان مبارزات انتخاباتی کمیسیونهای کارگری بوده‌های کارگر توضیح میدادند که سخن برسر انتخاب چند تن نماینده سندیکائی نیست، بلکه بر سر بدست آوردن مواضع جدیدی است تا بتوان برای تشکیل اتحادیه‌های طبقاتی مستقل و دموکراتیک برای حق اعتصاب، افزایش حد اقل دستمزد، علیه اخراج کارگران و برای رسمیت قانونی دادن به کمیسیونهای کارگری در سطح عالیتری مبارزه کرد.

تجربه طبقه کارگر اسپانیا نشان میدهد که با کار صبورانه توده‌ای و با تلفیق دقیق کار مخفی و علنی و با استفاده از تصد های موجود در دستگاه‌ها که میتوان به مبارزات سندیکائی دست زد و در تشکیل سازمانهای صنفی واقعی کارگران توفیق حاصل نمود.

وضع کنونی جنبش کارگری در نقاط دیگر

رفیق ژنسو ضمن تشریح فعالیت سندیکائی در کشورهای سوسیالیستی توضیح داد که طی سال گذشته کشورهای سوسیالیستی در زمینه اقتصادی بموقعیتهای جدیدی نائل شدند، همکاری بین آنها افزون گشت، سطح زندگی مردم در این کشورها اعتلا پذیرفت و مساعی مشترک آنها برای پیروزی امر صلح ادامه یافت. در کشورهای سوسیالیستی هماهنگ ساختن منافع کارگران با منافع خلق وظیفه سندیکها است. اتحادیه‌ها در حل کلیه مسائل مورد علاقه زحمتکشان شرکت میکنند، در رفرمهای اقتصادی که برخی از کشورهای سوسیالیستی بکار بسته‌اند نقش سندیکها باز هم بارز تر شده است. سندیکهای کشورهای سوسیالیستی فعالانه در تنظیم رفرمها و کنترل اجرای آنها شرکت میکنند، تغییراتی که در نتیجه رفرمها در زندگی سندیکائی پدید آمده است ثابت میکنند که بسط و گسترش پیوسته دموکراتیک امروز بیش از همیشه تریخش و مؤثر است.

در آفریقا و در کشورهای خاور میانه ونزدیک جنبش سندیکائی با مسائل بفرنجی مواجه است. در کشورهای هائی که رژیم تبعیض نژادی در آنجا حکمروا است، توده‌های مردم برای آزادیها و حقوق بنیاتی همیشه تریخش و مؤثر است.

بقیه در صفحه ۶

بخش اول این مقاله در شماره پیشین بطبع رسیده است

# یادی از جنبش های اجتماعی و انقلابی تاریخ کشور ما

اسماعیلیه و حسن صباح اسماعیلیه بطور کلی بان شعبه از شیعه گفته میشود که پس از امام جعفر صادق امام ششم بجای موسی بن جعفر پسر دیگر او اسماعیل و پس از مرگ او پسرش محمد را امام میدانند بدین طریق شیعیان اسماعیلی از شیعیان اثنی عشری از این نقطه جدا و بعد ها خود نیز بشاخه های دیگری تقسیم میشوند آنچه در عقاید اسماعیلیه مهم است مخالفت با تئوکریت است که غلویان بابت عقیده داشتند تقییه و سکوت بجای مبارزه و بیان صریح عقیده و افکار را اسماعیلیه مردود میدانند و شمار آنها مبارزه با تمام اشکال آن عایه حکومت عباسیان و حکومت های تحت نفوذ آنها بود اسماعیلیه در تمام ممالک اسلامی از جمله در ایران نفوذ فراوانی یافتند و مدتها حکومتی در درون حکومت های وقت تشکیل دادند عراق آنها را باطنیه ' قرامطه ' و مزدکیه میخواندند در خراسان آنها را تلمیحه ' ملاحده و گامی الحاقیه می نامیدند اسماعیلیه دستورات دینی را طبق نظرات اجتماعی خود تعبیر میکردند در سال ۲۹۷ هـ یکی از دعوات اسماعیلیه موفق شد که افریقا را از تسلط حکومت عباسی برهاند و سلسله فاطمیّه مصر را بوجود آورد مبارزه اسماعیلیان و طرز فعالیت سازمان دادن آنها در ممالک اسلامی و بخصوص در ایران چنان سرسختانه ' شجاعانه ' مدبرانه و علاقمند است که پس از قرن ها میتواند نمونه و سرمشق خوبی برای مبارزات پنهانی در شرایط ترور و اختناق قرار گیرد اسماعیلیه بفرار گرفتن علوم زمان خود علاقه فراوان داشتند و در زمینه ترویج آن در بین پیروان خود و مردم سعی فراوان کردند و به همین دلیل گروهی ' اخوان الصفا ' را که پنجاه و یک جلد رساله در زمینه فلسفه و علوم تألیف و محرمانه در بلاد اسلامی منتشر کردند از اسماعیلیان میدانند ایرانیان بطور کلی در مسئله امامت و ساختن و پرداختن اصول و فروع آن عامل اساسی بودند و قسمتی از عقاید مانوی و زردشتی را در افکار و عقاید شیعه وارد کردند مؤسس اسماعیلیه ایران ' حسن صباح اصلا از اهالی ری بود که به خانواده او به نیشابور مهاجرت کرد نهضت اسماعیلیه ایران از لحاظ سیاسی جنبشی علیه حکومت ترکان در ایران و در عین حال علیه دربار خلفای عباسی بود حسن صباح و پیروان او چنان سازمان محکم و متین و قلاع و استحکامات رفیعی بوجود آوردند که مدتی نزدیک به دو قرن در سرزمین ایران بخصوص در رود بار الموت و قهستان پایدار ماند و چنان نفوذ و قدرتی بدست آوردند که حکومت های وقت دائم از آن در بیم بودند اسماعیلیان کلمه رفیق را در بین خود رواج دادند و رفتار آنها نسبت بهم واقعا رفیقانه بود تقص کار آنها در این بود که بجای ادامه تجهیز توده ها و کشاندن آنها بمبارزه وسیع تودمائی به ترور گنجاندن سازمان های مخفی خود در دستگاه های دولتی و دولتش برای جلب امرا اهمیت قاطع دادند و باین دلیل با وجود داشتن کار های ضروری و زریده مورد نیاز هم نفوذ فوق العاده ای که داشتند نتوانستند به هدف اصلی خویش که ایجاد کشور حکومت واحدی در ایران باشد برسند تا آنکه هلاکو خان مغول قلاع آنها را به تنص کار آنها آنها را از الموت از میان برداشت

**جنبش قرامطیان قرامطه** دسته ای از اسماعیلیانند که متقدم امامت محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق بودند در سال ۲۷۱ هجری ابو سعید حسین بن بهرام چلبی قرامطی و در بحرین بر ضد خاندان عباسی قیام کرد و مدتی مدید خود و خانواده اش که همه ایرانی بودند عباسیان و بسیاری از امرای محلی مشرق را بخود مشغول داشتند ابو سعید طرفداران خود را بچنگ و گریز با اصطلاح امروز جنگ پارتیزانی عادت داد و مکرر سرداران عباسی را دچار شکست کرد ابو سعید دامنه تصرفات خود را توسعه داد و در سال ۳۰۲ هـ کشته شد پس از او ابو ظاهر سیاحان و بریاست

قرامطه این سامان رسید و چنان میدان را بر عباسیان تنگ کرد که در بغداد و بصره و شام خواب راحت نداشتند در ذی الحجه سال ۳۱۷ بمکه حمله برد حجر الاسود و پیراهن کعبه را بحاصله مرکز قرامطه آورد و تمام معتقد خلیفه عباسی را از خطبه بیانداخت قرامطیان در واقع باسلام عقیده نداشتند و ظواهر اعمال اسلام را نادانی و جهالت دانستند سنگ سیاه که را مدت ۲۲ سال نگاه داشتند و عملا راه زیارت خانه کعبه را که قبله مسلمانان بود سد کردند قرامطه بزرگترین ضربت ها را بحکومت جبار عباسی وارد کردند و تا اواخر قرن پنجم هجری مردم را ضد آن شورانند اصول عقاید اجتماعی قرامطیان تساوی حقوق مرصمان از بین بردن طبقات ممتاز و برداشتن بسیاری از قیود مذهبی بود مغان قرامطی سراسر ایران را پیامدند و علیرغم زجر ها و شکنجه ها بدعت خود بین توده مردم پرداختند بیشتری از علمای ایران خود بتحقیق و تتبع در مسائل علمی و عقلی میرداختند قرامطی بودند و یا بدان منعم میشدند زیرا قرامطیان با تعصبات دینی که فقط اجرای ظاهر تعالیمات دینی را مجاز میدانست عقیده نبودند و بدین طریق راه تعقل و تفکر را که باعث پیشرفت دانش میشود بروی طرفداران خود باز میگذاشتند در عرض این قیامه که بارتنگ مذهبی جنبه سیاسی و اجتماعی داشتند و در زمینه فکری نیز از طرف مردم ایران ضد حکومت های عربی علیه تعصب های دینی و برتری جوئی توادنی عربها مقاومت ها و جنبش های بصورت خامی و ادبی از طرف شعوویه مجزله ' سوخته ' و غیره شده است که در این مختصر محل ذکر آنها نیست

**جنبش دراویش** جنبش دراویش که پس از هجوم مغول و تاخت و تاز تیموریان و هنگامیکه قزو فاع جامعه قزوین و سلطان توده های مردم را از پای آورده بود پدید آمده است در قرن هشتم هجری جنبش دراویش بصورت جنبش سرداران در مازندران و در گیلان بصورت جنبش مرعشه و در آذربایجان بصورت جنبش حریفه درآمده است این جنبش ها از یکطرف متوجه مهاجرات مغول و از طرف دیگر ضد اشراف و فئودالها و روحانیون دست نشانده آنها بوده است سربرداریه دعوی داشتند که میخواهند کاری کنند که حتی یک تانار تا قیام قیامت خیمه در خاک ایران نزنند آنها تعالیم صوفی را با شیوه عیاری و جوانمردی (فتیان) درآمیخته و نخستین هنگهای درویشان مسلح را پدید آوردند آخرین جنبش مسلح و متعرض دراویش جنبش صوفیان پیرو شیخ صفی الدین اردبیلی است که از درون آن سلسله صوفیه پیرون آمده است در دوران صفویه یک سلسله شورشها و جنبشها در ایران رخ داد که از ذکر آنها در میگنیم و به جنبش های قرن نوزدهم و بیستم در تاریخ ایران می پردازیم

**جنبش بابیه** جنبشی بود که در زمان سبطره سلسله قاجار بدست سید محمد علی باب پدید آمده بابیهها با توجه بوضع اجتماعی دهقانان که بیرحمانه استثمار میشدند با افکار و عقایدی نظیر دوران راوندیه و قرامطیان و شعبه های شیعه با اعلام ظهور مهدی موعود به تبلیغ بین آنها پرداختند و نفوذ آنها در دهستانها توسعه یافت ولی این افکار دیگر با شرایط زمان وفق نوسید و اصلاح نامناسبی بود که در مقابل حکومت قاجار و تبلیغات روحانیون از کار افتاد و دربار قاجار نتوانست آنرا سرکوب کند بعد ها این فرقه بصورت بهائیه در آمد و خصالت خود را از دست داد و تبدیل بفرقه ای کوچک و ارتجاعی گردید که امروز اتباع خود را از توجه بامور اجتماعی و سیاسی باز میدارد

**انقلاب مشروطیت** جنبش انقلابی ضد فئودالی و ضد استعماری مردم ایران که نام مشروطه بدین دادند انقلابی اصیل و دامنه دار و تا آن حد قابل اهمیت است که نین آنرا سرلوحه

انقلابات ملی در آسیا شمرده و ستوده است هدف ما در اینجا ذکر تاریخ انقلاب مشروطیت که اصطلاح دقیق بران برای هر مبارز ضد استعمار و استقلال طلب ضرور است نیست بلکه بیشتر جلب توجه آنها با اهمیت این انقلاب و مخرب و سواست حذف نظر آنها بدرجه فداکاری از خود گذشتگی دلیری و پایداری انقلابیون است تاریخ انقلاب مشروطیت بر این ادعای باطل که گویا مردم ایران پوسیده و فاسد شده و سبجایی خود را از دست داده و فاقد روح انقلابی و مقاومتند خط بطلان میکشد این انقلاب که در سال ۱۹۰۶ آغاز گردیده و دامنه آن تا سال ۱۹۲۲ کشیده شده است پراز قهرمانیها و دلوریها و تهورها و جسارتهاست که بهیچوجه دست کمی از انقلابات سایر مال ندارد انقلاب ایران با سلطنت قاجار با فئودالها با بران عشایر و ایلات با قزاقان روسیه تزاری با انگلیسها با قدرت معنوی روحانی نماها و با انواع تحریکات امپریالیستها دست و پنجه نرم کرده و سرزبر آنها فائق آمده است

گرچه انقلاب مشروطیت بمعل خاصی که مربوط بسجایا و ظرفیت انقلابی توده های مردم ایران نیست بهدفعهای نهائی خود نرسید با وجود این منشاء تحولات بزرگی در تمام شئون زندگی مردم ایران گردید

**قیام خیابانی** شیخ محمد خیابانی یکی از چهره های درخشان انقلاب مشروطیت است که پس از انقلاب کبیر اکثر در تبریز و آذربایجان بر رأس قیامی که بقیام خیابانی معروف است قرار گرفت اولین بنیایه قیام کنندگان که روز پنجشنبه ۱۹ فروردین و ۱۸ ماه رجب ۱۳۳۸ هجری قمری منتشر گردید برنامه قیام را چنین اعلام میکند : در دو گانه پروگرام آزادیخواهان عبارت از اینست : برقرار داشتن اساسی عمومی از قوه بعل آوردن رژیم مشروطیت قیام کنندگان تمام ادارات محلی و شهربانی را متصرف شدند و اداره امور شهر را بعهده گرفتند این قیام زمانی بوقوع پیوست که حکومت مرکزی بریاست و ثوق الدوله عین الدوله دشمن قدیمی مشروطه را بوالی گری آذربایجان بدانجا فرستاد خیابانی نام آذربایجان را باین دلیل که در راه آزادی و برچیدن بساط استبداد در ایران کوشش بسیار نموده به ' آزادیستان ' تبدیل نمود جنبش خیابانی از ابتدا با مخالفت استعمار طلبان انگلیس روبرو شد و از آغاز کار شروع بتحریکات و ایجاد دسته های مخالف علیه آن نمودند عمل حکومت مرکزی نیز بنوبه خود از پای ننشستند تا دامنه نفاق و اختلاف را در داخل آذربایجان توسعه دهند در تهران خیابانی را به تجزیه طلبی متهم کردند خیابانی در نطق های مهیج و مکرر خود این اتهام را بارها رد کرد کسروی با آنکه از خیابانی دلخوشی نداشته و جزء گروه مخالفان او بوده است خیابانی را به تجزیه طلبی متهم نمیکند او در تاریخ مشروطیت خود می نویسد که : خیابانی این را میخواست که آذربایجان در دست او باشد که جد اسراغه فرمان دهد و سپس که نیرومند گردید بسر تهران رفته آنجا راه اصلاح و اصلاح گردید و قیام خیابانی و جنبش بزرگی که ضد و ثوق الدوله عاقد قرارداد تنگت با انگلیسها در سراسر کشور بوجود آمد باعث سقوط حکومت و ثوق الدوله گردید و حکومت مرکزی مخیر السلطنه را بجای عین الدوله بوالی گری آذربایجان به تبریز فرستاد تحریکات و توطئه گری استعمار طلبان و ارتجاع ایران از سویی نفاق و دو دستی آذربایجان و انتباهات خیابانی از سوی دیگر باعث شکست این قیام گردید همچنین السلطنه بباری نیرو های قزاق که در یادگان تبریز همجنس سلطنته باقی مانده بودند شهر را تصرف کرد و خیابانی به مقتول گردید

**قیام کوچک خان و انقلاب گیلان** در جریان جنگ جهانی کبیر اول که قوای متخاصم بدمرغ توجیه بهیچطرفی ایران کشور ما را

اشغال کردند جنبش وسیعی ضد نیرو های اشغالگر پدید آمد لبه تیز این جنبش متوجه قوای انگلیس و تزاریم دوشمن دیرین ایران بود میرزا کوچک خان که یکی از مبارزات انقلاب مشروطیت بود در راه عده ای از آزادیخواهان در گیلان علیه قوای روسیه تزاری برپا خاست و سپس با کمک آزادیخواهان حکومت انقلابی گیلان را بوجود آورد که هدف آن اخراج انگلیسها و بسط آزادی در سراسر کشور بود انقلاب کبیر اکثر و فرا خواندن ارتش روس از ایران حکومت انقلابی گیلان را تئویت نمود اولین کنگره حزب کمونیست ایران در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در بندر پهلوی تشکیل گردید و برنامه حزب کمونیست ایران را مبنی بر اخراج امپریالیستها از ایران و از گون کردن رژیم سلطنتی و فئودالی و معاصره و تقسیم بالاغوش املاک مالکان بزرگ تصویب کرد قبل از این کنگره کمونیستها با میرزا کوچک خان که صدر حکومت انقلابی بود همکاری میکردند و در نتیجه انقلاب در حال پیشرفت و نیرو گرفتن بود پس از تشکیل اولین کنگره حزب کمونیست و انتخاب کمیته مرکزی هم در رهبری حزب و هم بن میرزا کوچک خان و حزب کمونیست اختلاف پدید آمد میرزا کوچک خان که هدش در کادر تعالیات ناسیونالیستی بورژوازی محدود بود قوای خود را برداشت و از رشت بدون جنگ رفت و حکومت جدید انقلابی برپا کرد احسان الله خانب تشکیل شد انشباع و اختلاف بین قوای جنگل و حکومت انقلابی گیلان ضربت بزرگی به جنبش گیلان که نقطه امید همه آزادیخواهان ایران بود وارد کرد در این موقع قوای دولتی با کمک نیرو های نظامی انگلستان که شمال ایران را نیز تصرف کرده بودند با اطلاع از دو دستگی نیرو های ملی حمله بزرگی علیه نیرو های مسلح انقلابی که تا نزدیکی قزوین پیش آمده بودند آغاز کردند و با تله پلوی پیش رفتند دلیری و شهامت مبارزان کمونیست و مدد انقلابیون قفقاز توانست مهاجمان را بمقت نشینی وادار کند و شهر رشت بار دیگر بچنگ نیرو های انقلابی افتاد در این موقع حیدر عوفاغلی قهرمان دلیر پخته و با تدبیر بگیلان شتافت و هم خود را برقع اختلافات و تشکیل جبهه واحد با میرزا کوچک خان معطوف داشت اما اختلافات بشهادر از یکطرف و اقدامات تفرقه انگیز عوامل حکومت ارتجاعی قوام و انگلیسها از طرف دیگر کار را بانجا رساند که میرزا کوچک خان نامردانه عده ای از سران کمونیست حکومت انقلابی را در دعوتی که از آنها بچنگل کرده بود بقتل رساند و زمینه برای پیروزی نیرو های دولتی فراهم گردید ابتدا حکومت انقلابی گیلان و سپس میرزا کوچک خان از پای درآمدند جنگهای قوای مسلح انقلابی در گیلان است که باید سرمشق تمام مبارزان راه آزادی و استقلال ایران گردد

**قیام خراسان یا قیام کلنل** محمد تقی خان پیمان قیام خراسان نیز در عرض قیام گیلان و جنگل و خیابانی قیامی است ملی ضد استعماری و استقلال طلبانه که تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر در خراسان بوقوع پیوسته و رهبری آن با کلنل محمد تقی پیمان از افسران آزادیخواه ژاندارمری بوده است که سراسر خراسان را در بر گرفته و توجه توده های مردم را بخود جلب کرده است این جنبش مورد توجه کلیه محافل دموکراتیک ایران واقع گردید شورای مترقی در وصف آن شعرها گفتند و امثال عارف شاعر ملی آزادیخواه آنرا ستودند اما این جنبش پس از کشته شدن کلنل در سال ۱۳۰۰ در جنگ با قوای مسلح فئودالها که بدستور دولت مرکزی (حکومت قوام السلطنه) دست بغارت و چپاول و ایجاد ناامنی در خراسان زده بودند خاموش شد قوای دولتی توانستند یاران او را در هم شکند

**قیامهای دیگر** از جمله قیامهایی که در واقع دنباله جنبش مشروطیت و تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر پدید آمده یکی قیام مسلح شاعر معروف بهماز لاهوتی خان در آذربایجان و دیگری قیام لهاک خان در خراسان است از فهرستی که در بالا با مختصر و بالا چبار

بقیه در صفحه ۶



بقیه از صفحه ۴

# در شانزدهمین دوره اجلاسیه شورای عمومی سندیکای جهانی

## وحدت سندیکائی جهانی

مشکل و وحدت جنبش سندیکائی که همواره در مرکز توجه فدراسیون سندیکائی جهانی بوده است. بار دیگر در شانزدهمین دوره اجلاسیه شورا مطرح گردید. پیشرفتهائی که در این زمینه حاصل شده است مورد بررسی قرار گرفت. در این باره ضمن قطعنامه عمومی مصوب شورا چنین قید شده است: فعالیت سندیکائی اکنون در شرایطی انجام میگیرد که مبرم بودن مسئله وحدت با نیرو و روشنی بیشتری مطرح میشود. توافق بین انحصارهای دولتی از سویی و نفوذ روز افزون کشورهای سوسیالیستی از سوی دیگر زحمتکشان و سندیکاها را بیش از پیش بسوی مذاکره، تبادل نظر و همکاری سوق میدهد. فدراسیون سندیکائی جهانی در کایه مدارج سندیکائی با مذاکره و تبادل نظر موافقت دارد زیرا سالهاست که لزوم آنرا احساس کرده است. برای عمل باید نخست به بحث پرداخت باید کوشید تا در مسائلی که میتواند مشترک باشد تفاهم حاصل شود. زندگی تبادل نظر بین سندیکاها و وحدت عمل آنها را ایجاد میکند. فدراسیون سندیکائی جهانی طرفدار تشکیل یک مجمع بزرگ تبادل نظر بین المللی است که بدون قید و شرط و بدون استثناء همه در آن شرکت جویند. برای نیل باین هدف باید نخست در هر کشور وحدت عمل را گسترش داد. باید باشکال گوناگون به مذاکرات و تبادل نظرهای دو جانبه و چند جانبه پرداخت و بر اساس مسائل مورد توافق بعمل بین المللی مشترک و یا مؤازی اقدام کرد. در این زمینه اتحادیه های حرفه ای بین المللی برای نشان دادن شخصیت خود امکانات وسیعی دارند. وظیفه مبرم این اتحادیهها آنست که با مقدم داشتن مسائل سندیکائی دامنه فعالیت صنفی را بعدا گسترش دهند و بر این پایه در سراسر جهان وحدت عمل زحمتکشان و سندیکاهای رشته های مختلف را بسط دهند.

در اینجهت است که فدراسیون سندیکائی جهانی فعالیت کرده و خواهد کرد. و بیشک غیرمعمول توطئه های انحصارها و کارشکنی های سران مرتجع مراکز سندیکائی ایالات متحده آمریکا آنروز فرا خواهد رسید که آرزوی دیرین طبقه کارگر تحقق یابد و سازمان بزرگ و واحد سندیکائی جهانی بوجود آید.

## ح ضرورتین

### یادی از جنبشهای اجتماعی و تاریخی کشورما

بدون تحلیل ذکر شد معلوم میشود که خلقهای ایران در طول تاریخ متمدن و پرحادثه خود آرام ننشسته و مردانه برای آزادی و استقلال میهن خویش و سرکوبی ستمکاران داخلی کوشیده اند. جنبش توده ای طی یکقرن اخیر وارث واقعی این تاریخ طولانی و با عظمت قیامها و طغیانهای انقلابی است. و همان مشعلی را روشن نگاهداشته است که از دیرباز بدست مانیها و مزدکها، بومسلمها و بابکها افروخته گردیده است. تاریخ کشور ما نشان میدهد که قیامهای انقلابی تأثیرات عمیق خورهای ایران از چنگ غاصبین بیگانه و ستمگران داشته و تاخت و تازهای خوین چپران نتوانسته است ریشه آنها را خشک کند و مسلمانان جنبشهای قیامی را زنی جهانی و رسول بفرستد. رمانهای ملی و طبقاتی بایدار خواهد بود.

# نامه رفقای ویت نامی

بمناسبت سال نو میلادی (۱۹۶۷) دو سازمان زیرین ویت نام برای کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباشهای صمیمانه ای ارسال داشته اند:

۱ - کمیته ویت نامی دفاع از صلح جهانی

۲ - فدراسیون ویت نامی سندیکاها

ما بدینوسیله از این دو سازمان خلق برادر ویت نام صمیمانه تشکر میکنیم و موفقیت خلق دلاور و پرافتخار ویت نام را در نبرد علیه مهاجمان پلید امپریالیسم امریکا آرزو مندیم.

# شاهین و ابر

ابر چون رنگ آسمان بنهفت  
« ای فسوس آسمان چون سیماب  
که یکبار نیست گردیدن  
گفت شاهین پیر: « کای فرزند  
زچه نیرنگ ابر تیره ضمیر  
خیز تا از نسیب این هامون  
برده از پیش دیده برجینیم  
کودک سز و گرم نادیده  
ابر اندر خیال آن نادان  
پس بهمراه مام خود، شاهین  
همچو کشتی که تن فکند موج  
ابرها چیره بود و ناخوش بود  
چون پریند اندکی بفرار  
بال شاهین نو جوان فرسود  
کامچه خواهی برون دسترس است  
گفت مادر: « بوصل عالم نور  
ما که در شوق نور میوزیم  
باز رفتند اندکی برتر  
ناگهان دید چشم کودک خام  
و ندران صفا بلند مقام  
گفت: « فرزند، اینک آن درگاه  
میخزد ابر خوار و سرگردان  
دم دیگر که برگداخت تش  
ای که بیعت بچنگ یاس سپرد

جوجه شاهین بمادر خود گفت:  
وی دریغ آفتاب عالمتاب  
دامن از این جهان فرا چیدند! «  
تهمت اینسان با آسمان مپسند  
ساخت سر خورده ات ز شمس منیر؟  
ساعتی بر پریم برگردون  
آسوی ابر را عیان بینیم. «  
رنگ تردید داشت در دیده  
نیروئی می نمود جاویدان  
دلش از بیم و یاس سست و غمین،  
رفت در آسمان تیره باوج  
یاد هستی در آن فراموش بود  
اندران عرصه تلاش و نیاز  
گشت نوید و لب بشکوه گشود  
نیست جزا بر، این تلاش بس است  
رسد آن سالکی که هست صبور  
باتلاش و شکیب پیروزم. «  
عرصه ابرها رسید سر  
آسمانی فراخ و نیلی قام  
آفتاب فلک نشسته بکام  
که تو پنداشتی شده است نباه  
در پی این سرای جاویدان  
نیست جا، جز کلام اهرمش  
آفتاب فلک نخواهد مرد. «

## بقیه از صفحه ۳

# سازمانهای موجود زنان

سازمان دهند. بدون هیچ تردید بیکار نشستن و به امید دستی که از غیب بیرون آید و کاری بکند، ناظر بیطرف حوادث بودنت نازست و کار عناصر مبارز و انقلابی نیست. تمهینات بر سازمانهای موجود زنان بهات وابستگی هایشان، عدم فاطمیتشان در مبارزه، کم کاری و خرده کاری شان در گذشته مهر بظلم زد و به امید آن نشست که روزی سر انجام شرایط مناسب برای فعالیت توده زنان در یک سازمان واقعی بوجود آید. باید راههای گوناگون مبارزه را در همین شرایط اختناق و درد میان همین سازمانهای کم کار و خرده کار جستجو نمود. این راهها را باید یافت و با شجاعت در آن گام گذارد. عضویت در این سازمانها، بمنظور مبارزه با جنبه های ارتجاعی آنها و به پیش بردن شعارهای روبرو زنان نه تنها لازم، بلکه وظیفه مبرم هر زن آگاه و انقلابی است. همه این سازمانها را باید به تریبون حق طلبی توده زنان تبدیل نمود و صرف نظر از آنکه وابسته به دربار، طبقات ممتاز و یا عناصر غلب مانده و ارتجاعی باشند، اقتدر که با داعیه مبارزه برای

تساوی حقوق زن و مرد بمیدان آمده اند کافی است که از آنان بعنوان سنگری برای مبارزه استفاده نمود. باید عالمانه و هشیارانه از تضاد بین سازمانهای مخالف زنان از تضاد بین اعضا ساده و برخی رهبران مرتجع این سازمانها، از تضاد بین جناح بطور نسبی مترقی و جناح ارتجاعی تر این سازمانها برای پیشبرد شعارهای زنان استفاده کرد. باید شمارهایی را که در شرایط کنونی اهمیت درجه اول کسب کرده اند، مثلا تغییر قانون مدنی، در برابر این سازمانها قرار داد و از آنها خواست که با استفاده از تمام امکانات سازمانی و تبلیغی خویش مجدانه در راه تحقق این شعار بکوشند. باید همین شعار را عملا به زنانی که در این سازمانها قرار دارند و این زنان برد و از آنان خواست در این باره صریحا اظهار نظر کنند و این اظهار نظرها در روزنامه ها و مجلات در مصاحبه ها و سخنرانیها انعکاس یابد. وقتی شعاری پیشنهادی از ای افکار عمومی بسا خورداشت کسی قادر به مقاومت در برابر آن نیست. شک نیست آن گروههایی از زنان که صادقانه تر، صمیمانه تر و بیگانه تر در راه مبارزه بخاطر تحقق شعار برابری حقوق زن و مرد گام بردارند، عملا موفق به جلب اعتماد توده زنان خواهند شد که خود پادش بزرگی است.

## بقیه از صفحه ۵

بدون تحلیل ذکر شد معلوم میشود که خلقهای ایران در طول تاریخ متمدن و پرحادثه خود آرام ننشسته و مردانه برای آزادی و استقلال میهن خویش و سرکوبی ستمکاران داخلی کوشیده اند. جنبش توده ای طی یکقرن اخیر وارث واقعی این تاریخ طولانی و با عظمت قیامها و طغیانهای انقلابی است. و همان مشعلی را روشن نگاهداشته است که از دیرباز بدست مانیها و مزدکها، بومسلمها و بابکها افروخته گردیده است. تاریخ کشور ما نشان میدهد که قیامهای انقلابی تأثیرات عمیق خورهای ایران از چنگ غاصبین بیگانه و ستمگران داشته و تاخت و تازهای خوین چپران نتوانسته است ریشه آنها را خشک کند و مسلمانان جنبشهای قیامی را زنی جهانی و رسول بفرستد. رمانهای ملی و طبقاتی بایدار خواهد بود.

## پیام حزب کمونیست سوریه باختراب کمونیست برادر و به نیروهای ترقی و صلح در تمام کشورها

تعقیب کنند و بهر وسیله که میتوانند توطئه علیه جمهوری سوریه را افشاء نمایند و همبستگی خود را بدین جمهوری و مبارزه عادلانه اش ابراز دارند.

«مردم»



رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه توجه شما را بوضع خطرناکی که امپریالیستها در کشور ما بوجود آورده اند و هدف آن از میان بردن مشی مترقی سوریه و دستاوردهای مردم است، جلب مینماید. همه چیز حاکی از آنست که امپریالیستهای امریکائی در تدارک تهاجم نظامی بدست رهبران اسرائیل علیه سوریه اند، یعنی میخواهند اسرائیل نقشی را که در حمله علیه مصر در سال ۱۹۵۶ به عهده گرفته بود بار دیگر تکرار نماید.

پس از سقوط دولت بعثی دست راست صالح بیطار در فوریه گذشته در سوریه دولتی دارای خصلت مترقی و ملی بر سر کار آمده که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکند. روابط دوستی سوریه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بشکلی پیکر و مداوم آغاز بهبود گذاشت. مظهر این مناسبات قراردادهائی است که برای صنعتی کردن سریع سوریه بسته شده است. در عین حال صدای سوریه با قدرت و روشنی در عرصه بین المللی در کنار آوای تمام مبارزین راه آزادی، سوسیالیسم و صلح در تمام جهان طنین افکن شد.

رویه در جهت تحکیم روابط همبستگی و برادری خود با تمام کشورهای مترقی عرب و با تمام نیروهای مترقی ملی جهان عرب و همچنین با تمام نیروهای مترقی و سوسیالیسم در مقیاس بین المللی عمل میکند.

شایان تصریح است که یکی از اقدامات دولت سوریه آنست که در مسئله نفت موضع گیری استواری کرده است و خواسته است که شرکت نفت عراق بر اساس احتسابات واقعی و صحیح، موافقتنامه سال ۱۹۵۶ را درباره درآمد سوریه از محل عبور لوله نفت از اراضی وی با دقت کامل اخراج نماید و این امر خشم و غضب شدید محافل امپریالیستی امریکا و انگلیس را برانگیخته است.

از ۲۳ فوریه بعد اصلا وضع اقتصادی و اجتماعی مترقی خصلت عملی دیگری تری به خود گرفته و عمل در جهت استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی کشور شدت و قوت بیشتری یافته است. در نتیجه اصلاحات ارضی و بسط بخش دولتی در صنعت و تجارت، بنیاد اقتصادی و اجتماعی در سوریه در جهت مترقی تحول مینماید.

رفقا! شما میدانید که همکاری و تعاونی که بشکلهای مختلف بین بعثی های چپ و

حزب کمونیست سوریه شروع شده است، تا حدی در ترکیب دولتی که بعد از ۲۳ فوریه سرکار آمد منعکس شده است و درین اعضا دولت یک وزیر کمونیست وجود دارد. اما تحولی که اخیراً (اوائل اکتبر) در دولت روی داد، هیچ تغییری در اساس این مسئله بوجود نیاورد، ولی به بسط پایگاه حکومت منجر شده است. بدین معنی که عناصر دیگر چپ باین جریان پیوسته اند و این آن چیزی است که حزب ما دائماً طلبیده است. در دولت جدید هم فقط یک وزیر کمونیست شرکت دارد. این مسئله بکلی کذب تبلیغات محافل امپریالیستی و ارتجاعی را نشان میدهد که مدعی اند تعداد وزرای کمونیست در دولت

جدید سوریه چهار و حتی شش وزیر است. با این عمل آنها یک موج جنجال ضد کمونیستی علیه سوریه بر راه انداخته اند. هر گاه امپریالیستهای امریکائی علیه کشوری تهاجمی را طرح ریزی میکنند بهمین اسلوب عمل مینمایند. واقعیت اینست که حزب کمونیست سوریه با تمام قوا مشی مترقی ملی را در سوریه تقویت میکند. با اینحال حزب کمونیست از نقائص و نارسائیهائی که در وضع عمومی می بیند، انتقاد میکند. و برای بسط آزادی های دموکراتیک برای توده های کارگر و دهقان، برای تمام نیروهای مترقی و از آنجمله حزب کمونیست سوریه مبارزه مینماید.

علت آن کمیته عمیقی که امپریالیستها در کشور ما دارند مشی ملی مترقی سوریه است. امپریالیستها وحشت دارند که این مشی مترقی بشکورش های مجاور که رهبران آنها دنباله رو امپریالیستها هستند سرایت کند. باینجهت است که آنها اعمال فشار و توطئه علیه کشور ما را تشدید میکنند.

روشن شده است که توطئه نافرجام اوائل سپتامبر گذشته توسط مرتجعین سنتی در همکاری با عناصر اخراج شده راست بعثی و شرکت دربار سلطنتی اردن و عربستان سعودی عملی گردید و نیز روشن شده است که سرویس جاسوسی امریکا که مبتکر توطئه بوده و مخارج آنرا پرداخته است این توطئه را رهبری میکرده است.

کوشش برای براه انداختن توطئه ای در داخل کشور شکست خورد، لذا امپریالیستها در تدارک تهاجم نظامی خارجی هستند که باید در درجه اول دست نشانده آنها، اسرائیل و حکومتش که در ربه اطاعت امپریالیسم است بر رأس آن قرار گیرد. رهبران اسرائیل از عمل تهاجمی خویش در

ناحیه طبریه و همچنین از پرواز هواپیماهایشان بر فراز مؤسسات آبراری ناحیه یرموک در سوریه بجنود میالند و در عین حال تبلیغات تهاجمی از امین خود را در دایره ای که با یک تهاجم نظامی رژیم موجود سوریه را سرنگون خواهند کرد، وسیعتر میکنند. اسحق ربن رئیس ستاد ارتش اسرائیل اعلام کرده است،

«هدف ما تغییر رژیم سیاسی در سوریه است». نخست وزیر اسرائیل لوی اشکول گفته است: «اسرائیل سوریه حمله خواهد کرد... و این ما هستیم که لحظه متناسب و شکل درخور آنرا معین میکنیم». این تهدیدات با تدارکات نظامی و تمرکز وسیع نیرو در مرزهای سوریه توأم است.

همچنین، رهبران اسرائیل بطرز وسیع به آراز و اذیت اقلیت عرب در اسرائیل اقدام کرده اند. رهبران اسرائیل کوشش میکنند سوریه را یک کشور محرک و آتش این اقلیت عرب در قبال زجر و آزاری که میکنند قلمداد کنند، تا بدینوسیله تهاجمی را که به دستور امپریالیسم، تدارک مینماید موجه سازند. رهبران اردن هم نقش خود را در این امر بازی میکنند. نخست وزیر اردن وصفی الطال اعلام کرده است: «تا ناکهای اردن در مرزهای سوریه رخنه خواهند کرد».

این جریان نشان میدهد که اولاً وضعی که اخیراً در اطراف سوریه ایجاد شده است، شبیه وضعی است که تهاجم اسرائیل در سال ۱۹۵۶ بر ترعه سوئز بوجود آورد و ثانیاً امپریالیستهای امریکائی، انگلیسی و آلمان غربی توسط جاسوسان خود در اسرائیل و اردن و نیز با تفاق ارتجاع عرب میخواهند ماجرائی علیه سوریه و علیه صلح در منطقه خاور میانه تدارک به بینند و مخفی نیندازند که میخواهند یک رژیم ارتجاعی تروریستی در کشور، تحت نظارت آنها برقرار شود و وظیفه این رژیم از بین بردن نیروهای مترقی، لسطه زدن به دستاوردهای ملت سوریه، برقراری نفوذ امپریالیستها در سوریه و دفاع از وضع امپریالیسم در این ناحیه میباشد.

وضع عمومی کشور ما برای ترقی مساعد است. ملت ما دارای تاریخ درین مبارزه علیه توطئه های امپریالیستی است. اردو گاه سوسیالیسم دست همکاری و دوستی خود را بطرف ما دراز کرده است. اخیراً کشور اتحاد شوروی یادداشتی بدولت اسرائیل فرستاد که وی را از عواقب تهاجمی که در تدارک آنست بر حذر داشته است. اگر در گذشته ملت ما در مبارزات متعدد علیه امپریالیسم موفقیتهایی بدست آورد آن نیز باینجهت بود که همکاری بین المللی کمونیستها و ترقیخواهان در تمام کشورهای جهان بیاریش شتافت.

رفقا!

امپریالیستها در صدد تدارک یک سوئز جدید علیه سوریه هستند، خطری که استقلال و حاکمیت سوریه و همچنین امنیت و صلح را در این ناحیه تهدید میکند، خطری جدی است. ملت ما مصمم است از استقلال حاکمیت و از دستاوردهای مترقی خود دفاع کند.

باینجهت است که ما وظیفه خود دانستیم وضع واقعی را برای شما تشریح کنیم و از شما تقاضا کنیم امسکاناتی را که حزب و مطبوعات شما و سازمانهای توده ای مترقی که با شما دارای رابطه هستند برای کمک ما دارند، بررسی نمایند و واقعیت مبارزه ای

## ا درود بخلق قهرمان ویتنام!

متحدہ امریکا است. سیاست جذبک و مانور صلح امریکا در ویتنام از هر طرف مواجه باشکست شده و مفرد گردیده و از لحاظ نظامی علیرغم اعزام مداوم نیروهای مسلح بجدیدترین سلاحها نتوانسته است بهیچیک از هدفهای نظامی خود برسد در عوض جبهه ملی آزادیبخش ویتنام هم از لحاظ روحیه و هم از لحاظ قدرت جنگی از هر وقت دیگر نیرومندتر شده و با عزم راسخ مبارزه خود را برای دفاع از آزادی و استقلال و قطع تجاوز امپریالیسم امریکا ادامه میدهد. مردم ایران که خود از نفوذ سیاستهای استعماری و در درجه اول استعمار هار وغان گسیخته امریکا رنج میرند همواره پشتیبان خلق دلاور ویتنام بوده اند. حزب توده ایران بنوبه خود از هر نوع پشتیبانی که در امکانش باشد دریغ نخواهد ورزید. ما از اعضای حزب، سازمان های اجتماعی و کلیه مردم خواستاریم که با اهداء خون و کمک مالی بخلق دلیر ویتنام کمک نمایند و ندای اعتراض خود را علیه جنایات امریکا در ویتنام بهر نحو که باشد بلند کنند.

بیروزی مردم ویتنام بر امپریالیسم امریکا تأثیر مستقیم در مبارزه سایر خلقها و از جمله خلقهای ایران برای آزادی و استقلال ملی آنها دارد. آرزوی ما در سال نو این است که با کمکهای بی دریغ و برادرانه اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای اردو گاه سوسیالیستی کمک به ویتنام و همچنین با پشتیبانی مادی معنوی تمام مردم شرافتمند و صلحدوست جهان از مبارزه حق طلبانه خلق ویتنام، جذبک مهیب ویران کننده ویتنام بسود مردم ویتنام پایان یابد و صلح شرافتمندانه ای در این کشور که سی سال است دستخوش تنجواوزات امپریالیستی است برقرار گردد.

زنده باد خلق قهرمان ویتنام

ا. گویا

## هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوب کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 4176**

**Stockholm 4  
Sweden**

را که در سوریه جریان دارد برای توده های کارگر و زحمتکش و افکار عمومی کشور خودتان توضیح دهید و مسئله همبستگی با خلق ما را بهر شکلی که آنرا مصلحت می شمارید مورد مطالعه قرار دهید.

اکتبر ۱۹۶۶

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

# دروغ به خلق قهرمان ویت نام!

هم اکنون ۸۰ درصد از خاک ویتنام جنوبی در دست حکومت آزاد ویتنام جنوبی است که در آنجا سه چهارم مردم جنوب یعنی بیش از ده میلیون نفر زندگی میکنند.

بدینسان تکنیک و وسایل مدرن امریکا نتوانسته است بر روخه و فداکاری بی نظیر مردم ویت نام پیروز گردد. جبهه ملی آزادی بخش ویتنام بمناسبت ششمین سال مبارزه خود چنین میگوید: «هر چه بیشتر مبارزه میکنیم بیشتر نیرومند میشویم. نیروهای ما در سال ۱۹۶۶ بیزان عظیمی رشد و تکامل یافته است. اینک مردم امریکا ببارک عمیق این مسئله میرسند که بیش از پیش در غرقاب شکست فرو میروند».

رفیق هوشی مین روز ۲۳ دسامبر ۱۹۶۶ ضمن پیامی خطاب به مردم امریکا چنین اظهار داشت: «دولت ایالات متحده بخطا فکر میکند که با نیروی سبقت و خشونت میتواند خلق ویتنام را وادار به تسلیم کند. ملت ویتنام هیچگاه زیر بار تسلیم نخواهد رفت.» سپس افزود که: «ما صلح میخواهیم اما صلحی شرافتمند. تأمین استقلال و آزادی مردم ویتنام بقیمت هزین تعداد قربانی و هر محرومیتی که باشد بسته بسر کوبی مهاجمان امریکائی تا پیروزی نهائی است.»

جناپاتی که امریکائیان در ویتنام مرتکب شده اند از لحاظ شدت کمتر از جنایات فاشیستهای هیتلری نیست. طبق گزارش پروفیسور امریکائی ویلیام ریر مدیر مؤسسه تحقیقات در باره کودکان بنام «مری کالج» که روز ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶ در نیویورک منتشر گردید، از سال ۱۹۶۱ تاکنون بیش از ۲۵۰ هزار کودک کشته، بیش از ۷۵۰ هزار زخمی و یا بوسیله بمبهای ناپالم سوخته شده اند. ده ها هزار کودک در یتیم خانه ها، در اردوگاهها، در کوچه ها و خیابانها بدون سرپرست مانده اند. سیل ویا و طاعون آنها را می بلعد و هزاران نفر از آنها که در شهرها و ریلاندن هیچگونه ماوا و سرپرست ندارند و از سن ده به بالا بفحشاء کشانده میشوند. سند آقای ویلیام ریر در ماهنامه «رامپارد» امریکائی همراه با تصاویر وحشت آوری از کودکان ویتنام درج گردیده است. این پروفیسور که چندین هفته در ویتنام جنوبی مشغول تحقیق بوده تأیید میکند که صد ها کودک را در جال مرگ و نیمه جان در دهگده هایی که امریکائیان ویران کرده اند بچشم خود دیده است. بطور کلی در ویتنام نشان میدهد که ۷۰ درصد از قربانیان حملات هوائی امریکائیان در دهگده ها کودکان اکثراً از ۱۶ سال هستند.

مردم جهان و از جمله مردم امریکا که ناظر چنین جنایات وحشتناکی هستند نمیتوانند از ابراز نفرت نسبت بتجاوز کانون امریکائی و از ابراز همدردی و پشتیبانی اخلاقی از خلق مظلوم و مبارز ویتنام خود داری کنند. بهمان نسبت که امریکائیان تجاوز خود را با توسعه

جنگ دامنه دار تر کردند کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی هم بخلق ویتنام توسعه یافت و به نیروی مقاومت آن افزود. «این کمک براتب مؤثر تر و ثمربخش تر میشد اگر جمعی از رهبران چین با اتخاذ سیاست تفرقه در اردوگاه سوسیالیستی و سیاست سراپا مضر و غیر اصولی رد وحدت عمل این کشورها در مسئله کمک بخلق دلاور ویتنام، عملاً در کار مبارزه خلق ویتنام اخلال و به امیرالیسم متجاوز بطور عینی کمک نمیکردند».

ویرانی ویتنام، کشتار میهن پرستان و مردان و زنان و کودکان غیر نظامی برای امریکائیان مهاجم و حکومتهای دست نشانده آنها تاکنون طبق آمار «جبهه آزادی ملی» به بهای بیش از یکمیلیون کشته و زخمی و اسیر از جمله یکصد و سی هزار امریکائی، بیش از هزار و شصده هواپیما، هزاران هلیکوپتر و مقدار زیادی آلات و ابزار جنگی و میلیاردها دلار تمام شده است. این ضایعات انسانی و مالی که نتیجه مستقیم سیاست ضد انسانی و سود پرستانه انحصارات بزرگ امریکائی ویتناگون است بر مردم امریکا تحمیل میگردد و هر چه جنگ ادامه مییابد سنگینی آن بیشتر احساس میشود و معنی «دفاع از آزادی» که بنام آن دولت امریکا جولان را بر میدان جنگ میفرستد، مفهوم تر و باین ترتیب دامنه تظاهرات و اعتراضات مردم امریکا وسیعتر میشود. در نتیجه فشار افکار عمومی جهان و مردم امریکاست که هر چند یکبار جانسون دست بحمله دروغین صلح میزند و برای انحراف افکار عمومی مردم امریکا و جهان مزورانه میکوشد حتی وانمود کند که گویا دولت امریکا حاضر بنذا کترات صلح برای پایان دادن بجنگ در ویتنام است اما این دعاوی پوچ نمیتواند کسی را بفریاند.

در آستانه سال نو و عید نوئل جانسون در یکی از مصاحبه های خود با روزنامه نگاران چنین گفت: «ما نیرومندیم ولی نیک نفس و دست و دل بازم. ما صلح را هدیه میکنیم» اما درست در همان وقت که او از نیک نفسی و هدیه صلح دم میزد هواپیماهای امریکا بر کز شهر هانوی بمب های آتشزا هدیه میکردند. جانسون در مصاحبه دیگری در بناره بهاران مراکز غیر نظامی و کشتار مردم غیر نظامی آگفت ما با دقت تمام، فقط هدفهای نظامی را بمباران میکنیم ولی وقتی مدارک غیر قابل اینکار از ویزانتهای مدارس، بیمارستانها و خانه های مردم عادی از طرف مخبرین و خبر گزارهای مختلف جهان از جمله یو، بی، آی منتشر گردید در آخرین مصاحبه خود ناچار بقبول آنها گردید و به «ابراز تأسف» اکتفا کرد.

بمناسبت عید نوئل، پاپ از تمام شرکت کنندگان در جنگ تقاضا کرد که آتش بس دو روزه را ادامه دهند تا راه حلی برای خاتمه جنگ پیدا شود. در همین موقع اوتانت دبیر



ای توگلی که جای تو بستان آرزوست

دستی که بست پای نشاط شکسته باد!

نمیکند بلکه بد کر یک عبارت گنگ که در دست مخالف نظر اوتانت است قناعت مینماید و بدینال آن عبارت میان تهی «کاملاً همکاری خواهد کرد» را میافزاید. اما هنگام تسلیم نامه «صلح آمیز» او نیروهای تازه امریکائی وارد ویتنام میشوند و بمباران ویتنام شمالی که اوتانت قطع آنها را خواستار شده بشدت ادامه مییابد. فیلیپ بن خیر گزار روزنامه فرانسوی «لوموند» در سازمان ملل متحد در باره این نامه که آثرا خله جدید صلح امریکا خواننده است چنین اظهار نظر میکند که این جمله بضمون نتیجه ای است زیرا در سازمان ملل متحد تأثیر مثبتی نگزده و هیچک از نکات سه گانه اوتانت در نظر گرفته نشده است.

ژنرال دوگل در دو نطق متوالی خود که پیش از اظهارات جانسون و نامه گلدبرگ در آغاز سال نو ابراز کرد بشدت سیاست امریکا را مسوزد انتقاد قرار داد و دخالت امریکا را در ویتنام نفرت آور خواند. او جنگ ویتنام را نتیجه مستقیم اقدامات امریکا دانست که ظالمانه ادامه دارد و برای پایان جنگ خروج نیروهای امریکا را از ویتنام لازم شمرد. این موضع گیری آزادی مانند یاب، دوگل و یا دبیر کل سازمان ملل متحد خود نموداری از انفراد کامل ایالات

کل سازمان ملل متحد در پیام خود بدوات امریکا سه نکته را بسیار روشن و دقیق تصریح کرد: وخواستار موافقت امریکا با آنها گردیدند از اینقرار: حملات هوائی به ویتنام شمالی بدون قید و شرط قطع شود، عملیات خصمانه تدریجاً از دو طرف پایان یابد، جبهه آزادیبخش ملی ویتنام بعنوان طرف مذاکره برای پایان جنگ و حل مسئله ویتنام شناخته شود. در مقابل این دو پیام دولت امریکا نیروهای تازه ای وارد ویتنام کرد و بلافاصله پس از پایان آتش بس دو روزه بشدت ویتنام شمالی را بمباران و در تمام جبهه ها عملیات خصمانه خود ادامه داد. بطوریکه سخنگوی واتیکان توانست از ابراز عدم رضایت پاپ از او کنش دولت امریکا خودداری کند. در مورد پیام اوتانت و کنش امریکا این بود که روز ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶ توسط نماینده خود گلدبرگ در سازمان ملل متحد نامه ای رسمی به اوتانت تسلیم داشت. در این نامه گلدبرگ از اوتانت تقاضا میکند که «تمام اقدامات لازم را برای مذاکرات بمنظور آتش بس میادیم، در ویتنام بفعول آوزید» در این نامه گلدبرگ تصریح میکند که دولت مترو عش با اوتانت «کاملاً همکاری خواهد کرد» تا مذاکرات به نتیجه مطلوب برسد. گلدبرگ به چوچه در باره نکات مشخصی نامه اوتانت در نامه خود مطلبی ذکر